شب قدر

(اعمال و فضيلت)

مؤلف: ناصر باقرى بيدهندى

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

سوره قدر

(بسم الله الرحمن الرحيم)

(انا اءنزلناه فى ليلة القدر \* و ما اءدراك ما ليلة القدر \* ليلة القدر خير من الف شهر \* تنزل الملائكه و الروح فيها باذن ربهم من كل اءمر \* سلام هى حتى مطلع الفجر)

(صدق الله العلى العظيم)

سرآغاز

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على الرسول الاعظم، محمد و آله الطيبين الطاهرين، حملة الشريعة و قادة البشريه.

## قدر را قدر بدانيم

شب قدر، پر ارزش ترين وقت سال است، سرنوشت آدمى در همين هنگام مشخص مى شود. قرآن در شب قدر نازل شده است، لذا به بركت نزول قرآن و فرشتگان و روح (1) در اين شب، جهت سر و سامان دادن به امور بندگان، قدر و منزلت خاصى دارد؛ از بهترين شب هاى سال است كه مسلمانان اجتماع و اتحاد و برادرى خود را، به نمايش مى گذارند.

شبى كه هر كس آن را درك كند و احيا بدارد، گناهانش آمرزيده خواهد شد و زندگى تازه اى خواهد يافت.

شبى است پر بركت كه سرنوشت همه موجودات در آن مقدر مى گردد.

استاد محمد رضا حكيمى در مورد اين شب گفتارى ارزنده دارد كه ذيلا به قسمتى از آن اشاره مى شود:

«آن شب كه بايد شكوائيه هجران را در نورديد و به اميد وصل و ديدار بيدار نشست و از جام طهور «سلام» تا «مطلع فجر» سرمست بود، كدام شب است؟

آن شب، كه شاعر حافظ قرآن با الهام گرفتن از قرآن آن را «شب وصل» مى نامد و نامه هجران را در آن شب طى شده و پايان يافته مى خواند، كدام شب نورانى و دل افروز است؟

شبى كه بايد در عاشقى ثابت قدم بود، در طلب كوشيد و بيدار ماند و ديدار جست و احيا گرفت و به نيايش پرداخت و كار خير كرد و صالحات به جا آورد و به نيازمندان رسيد و دانايى طلبيد و مذاكره علم كرد؛ شبى كه در آن، كارى بى اجر نخواهد ماند.

شبى كه بايد به ياد روى آن محبوب عزيز، آن يار آواره از ديار و پنهان رخسار، با دردمندى هاى عاشقانه ناليد و ديدار روى او را از خداى طلبيد...

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شب وصل است وطى شد نامه هجر(2)  |  | سلام فيه حتى مطلع الفجر  |
| دلا در عاشقى ثابت قدم باش  |  | كه در اين ره نباشد كار بى اجر  |
| برآ اى صبح روشندل خدا را  |  | كه بس تاريك مى بينم شب هجر  |
| دلم رفت و نديدم روى دلدار  |  | غان از اين تطاول، آه از اين زجر (3)  |

حافظ در اين غزل به ويژه با تضمين كلمات قرآنى (سوره قدر) همه و همه به اين معانى اشاره دارد: «شب قدر» و رابطه آن با امام و غيبت، ثابت قدم بودن در عاشقى، اگر چه مشكلات در كار باشد آرزوى ظهور و دميدن صبح وصال به اميد رهايى از شب تاريك هجران و سرانجام شكوه از طولانى بودن دوران فراق....

آرى، حافظ از دورى و مهجورى يار مى نالد، اما با نظر به حقيقت امر مى خواهد تا همگان در راه عشق و عاشقى، ثابت قدم باشند. (4)

شب قدر، شب جدايى اولياء الله و اولياى شيطان است.

شب قدر، شب دعا و ندبه و شب نزول رحمت عام و كرم خداوندى است؛ شب آشتى بنده با خداوند و توبه و انابه و زدودن تيرگى هاى گناه از دل و شب خودسازى و نزديك شدن به پروردگار است، زيرا كه اوست: «قابل التوبات» و «مجيب الدعوات» و «ستار العيوب» و «غافر الخطيئات».

عزت و احترام اين شب تا بدان حد است كه قرآن درباره آن مى گويد: (ليلة القدر خير من اءلف شهر) (5) شبى است كه انجام اعمال عبادى در آن با عبادت هزار ماه برابر است. (6)

شبى كه هر لحظه آن تا سپيده دم توأم با درود فرشتگان، سلام و سلامتى و رحمت و نيكى و ايمنى و فرخندگى است.

اين شب، شياطين در بند اسارتند و زمينه براى انجام دادن كارهاى خداپسند و مفيد به حال فرد و جامعه مهياتر است؛ مؤ منان در آن شب از وسوسه ها و كيد شياطين در امان خواهند بود.

اين شب، شب معين كردن روزى افراد است و بندگان به اندازه تلاش و جهدى كه در عبادت داشته اند، پاداشى دريافت كرده و سهم مى برند.

صاحب تفسير كشف الاسرار مى گويد: اندر اين شب، خطاب مى آيد كه «ليقم القانتون، اين المستغفرون؟ » كجايند جوانمردان شب خيزان كه در آرزوى ديدار با بى خوابى، بى آرام بوده اند و در راه عشق شربت بلا نوشيده اند تا ما خستگى ايشان را مرهم نهيم و اندرين شب قدر ايشان را با قدر و منزلت باز گردانيم كه امشب، شب نوازش بندگان است و وقت توبه عاصيان... » (7)

شب يادآورى نعمت هاى مادى و معنوى الهى است (نعمت ايمان و اسلام، نعمت رهبرى و ولايت فقيه، نعمت سلامتى و عافيت، نعمت فكر و انديشه و...)

«شب وصال نبى ختمى و ليله وصول عاشق حقيقى به محبوب خود. » (8)

شبى كه به قول شاعر:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بهترين وقت عبادت در صيام  |  | ليلة القدر است با فضل تمام  |
| بُد شب احيا شب خير و اميد  |  | هم برات و هم نجات و هم نويد  |
| رحمت است و مغفرت يكسر تمام  |  | كسب هر فيض و فضيلت در مقام  |
| نور بود از سر به پا مستور بود  |  | ديده نااهل از آن كور بود  |
| باز گردد هر درى در آسمان  |  | دعوت آيد از خداى مهربان  |
| بس مبارك بوده امشب با يقين  |  | نازل آيد هر ملك سوى زمين  |
| تنگ گردد، صحن گيتى بر ملك  |  | رشك برده بر زمين امشب فلك  |
| زان كه امشب، طاعت اندر خاكدان  |  | بهتر و برتر بود از آسمان  |
| ليلة القدر است و بى شبهه به دهر  |  | افضل و اعلى بود، من الف شهر (9)  |

شب عروج انسان است، از خاك به افلاك؛ اين شب باعظمت در رمضان واقع است كه ماه خدا و با فضيلت ترين ماه هاست و روزهايش بهترين روزها و ساعاتش بهترين ساعات است. (10)

شب بيدار ماندن و بيدار كردن، آگاه شدن از مكتب و دسيسه هاى دشمن، تذكر دادن و يادآورى.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| امشب آن نيست كه در خواب رود چشم نديم  |  | خواب در روضه رضوان نكنند اهل نعيم  |
| خاك را زنده كند، تربيت باد بهار  |  | سنگ باشد كه دلش زنده نگردد به نسيم  |
| بوى پيراهن گم كرده خود مى شنوم  |  | گر بگويم، همه گويند ضلالى است قديم  |
| اى رفيقان سفر، دست بداريم از ما  |  | كه بخواهيم نشستن به در دوست مقيم  |
| دجب از كشته نباشد به در خيمه دوست  |  | عجب از زنده كه چون جان به در آورد سليم  |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كه رو از خدا بگرداند  |  | در هلاكت همى فرو ماند  |
| بارالها تو را همى خوانم  |  | من ره رشد خود نمى دانم  |
| تو به دادم برس، به هر دو سراى  |  | ره فرمان خود، به من بنماى  |
| شب قدر است، از خداى بخواه  |  | نكند نااميد، لطف اله  |
| اى حسامى به خود گراى امشب  |  | هر چه خواهى ز لطف حق بطلب  |
| در شب قدر جبرئيل امين  |  | مى شود نازل، از سما به زمين  |
| بيرق نور مى كند، سر و پا  |  | بر سر كعبه از طريق صفا  |
| بندگان را صلاى عام دهد  |  | از شراب طهور جام دهد  |
| قدر خود را، هر آن كه مى داند  |  | تا سحر، او خداى مى خواند  |
| چون سحر شد، ندا رسد از دوست  |  | كه به عاصى، كرم بسى نيكوست  |
| تائبان را تمام مى بخشد  |  | خالق لم يلد و لم يولد  |
| اى حسامى به حق گراى از جان  |  | هر شبت هست قدر، قدر بدان (11)  |

آرى ليلة القدر شبى است كه بيداردلان شب زنده دار طاعتى افزون تر و نيايشى عاشقانه تر دارند.

شبى كه انسان هاى مومن، آن را با اعمالى چون: ياد خدا، مناجات و دعا، تلاوت قرآن، نماز شب، گريستن بر خطاها، مطالعه و تحقيق و... زنده نگه مى دارند.

در شب ها و سحرهاى اين ماه نورانى، لحظه هاى تابندگى خاصى دارند؛ زبان ها عطر ذكر دارند و بوى خدا مى دهند؛ دست ها بوى تسبيح دارد و استغفار و «مصحف». (12)

در اين شب هاى نورانى قلوب مستعد نورباران مى گردند و انسان به سر حد كمال خود مى رسد و هستى به ثمر مى نشيند و به همين علت پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، همواره اصحاب و يارانش را به درك و بهره بردارى كامل از فيوضات اين شب تشويق و ترغيب مى كرده است.

شبى كه امام زين العابدين و فخر الساجدين عليه‌السلام در دعاى شريف ابوحمزه ثمالى تقاضاى درك آن و توفيق عبادت در آن را از خداى خويش ‍ خواستار شده است و خواست مومنان نيز در ادعيه روزانه ماه رمضان همين است. (13)

شبى كه پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم رختخواب را جمع مى كرد، خود را براى عبادت بيشتر مهيا مى نمود (14) و در مسجد به اعتكاف مى پرداخت.

حضرت فاطمه عليها‌السلام نيز نمى گذاشت فرزندانش در اين شب با شرافت بخوابند؛ هر وقت خواب بر يكى از آنها غلبه مى كرد، مقدارى آب به صورت او مى پاشيد. (15)

شبى كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم درباره اش ‍ مى فرمود:

(ان الشيطان لا يخرج فى هذه الليله حتى يضى ء فجرها و لا يستطيع فيها ان ينال احدا بخبل اءو داء او ضرب من ضروب الفساد و لا ينفذ فيها سحر ساحر. (16))

شيطان در اين شب بيرون نيايد تا آن كه صبح طلوع كند و قدرت آسيب رساندن به كسى را ندارد و سحر هيچ ساحرى در اين شب اثر نكند.

شبى كه برات آزادى از آتش جهنم و خوش بختى و سعادت دو جهان، نصيب مومنان و زنده دلان مى گردد.

شبى كه ليله البراتش گويند و در مورد كثرت فيضش، لسان الغيب (خواجه حافظ) چنين سروده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند  |  | واندر آن ظلمت شب آب حياتم دادند  |
| چه مبارك سحرى بود و چه فرخنده شبى  |  | آن شب قدر كه اين تازه براتم دادند (17)  |

شبى كه عالم بزرگ شيعه، مرحوم آية الله حاج محمد ابراهيم كلباسى - صاحب كتاب اشارات الاصول - براى به دست آوردن فيض و فضيلت آن، يك سال، شب تا صبح به عبادت پرداخت. (18)

شبى كه خداوند آن را از ميان شب ها برگزيده است، همان طور كه از بين موجودات، انسان و از جمع پيامبران، محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و از بين بردن مكاتب، اسلام و از بين خانه هاى روى زمين، كعبه و از بين سنگها، حجر الاسود و از بين كتب آسمانى، قرآن و از ميان راه ها، صراط مستقيم، و از ميان سوره هاى قرآنى، يس و از ميان روزهاى هفته، جمعه و از ميان ماه ها، رمضان را انتخاب كرده (19) و از جمع بنى هاشم، نيز هفت نفر را برگزيده است.

شبى كه به گفته آن دانشمند اسلامى: «نسيم روح افزاى رحمت پروردگار، همراه با صفير جان بخش پرواز فرشتگان، ارواح خفتگان جهان ماديت را بيدار مى كند و دلهاى پژمرده اسيران بند هوس را نور و صفا مى بخشد و در كالبد قربانيان ديو نفس، روح تازه اى مى دمد.

بنده خطاكار شرمنده گرفتار، با عنايت آفريدگار از خواب غفلت بيدار مى شود و با زبان حال، پيشانى بر آستان ايزد متعال نهاده و مى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يا رب ز گناه خويش، شرمنده منم  |  | بر هر چه عقوبت است، زيبنده منم  |
| غفار تويى، غنى تويى، شاه تويى  |  | بدكار منم، گدا منم، بنده منم  |

شبى كه مومنان عاشق براى وصول به معرفت آن از ابتداى ماه رمضان تا شب بيست و سوم سوره «الدخان» و يا صد مرتبه سوره «قدر» را مى خوانند و چون شب بيست و سوم فرا رسد، دل را محكم مى دارند و گوش هاى خود را براى شنيدن رازها مى گشايند؛ (20) از اين رو شب قدر از جمله «ليالى عشر» كه خداوند در قرآن به آن سوگند خورده، شناخته شده است.

شبى كه ملائك مهمان اهل زمينند.

شب با عظمتى كه درك كُنه و حقيقت آن براى انسان هاى عادى، غير ممكن است: (و ما اءدراك ما ليلة القدر.)

اين شب، مهلتى براى همه كسانى است كه در عمر تاريك و ننگين خود به بيراهه رفته اند تا لحظه اى به خود آيند و انديشه كنند كه: «چيستند»، «كيستند» و «از كجا آمده اند و به كجا مى روند» و تا فرصت باقى است به جبران گذشته ها بپردازند و با توبه و استغفار خود را از سقوط حتمى، برهانند و زندگى آينده خويش را با الگوى «قرآن و عترت» شكل دهند.

شبى كه انسان فرصتى دوباره مى يابد تا با «مطالعه و تحقيق»، «بحث و گفت و گو» و «غور در قرآن و سنت» شيرينى معرفت خداوندى را درك كند و با تقويت درجات ايمان و يقين، در جهت سير الى الله و عروج به عالم بالا حركت كند.

شبى كه موسم ناله و نجوا، خضوع و خشوع و تحليل و تسبيح است.

شب انسان كامل است و شب كمال انسان.

اين شب، شام تعظيم است، بندگان شايسته خدا در اين لحظه هاى نورانى به عظمت و بزرگى مى رسند.

كثرت نام ليلة القدر دليل بر عظمت آن است و اين همه صفات والا كافى است كه مسلمانان «شب قدر» را بزرگ شمارند و هر يك به اندازه ايمان و انديشه خود از آن بهره جويند، ولى متاسفانه افراد بسيار از ارزش آن غفلت مى ورزند و از اين فرصت طلايى و استثنايى استفاده نمى كنند و از بركات آسمانى و خيرات فراوان و فيوضات سرشارش بى بهره مى مانند؛ آنان در دام ابليس اسير گشته و در حجاب هاى ظلمانى گرفتار آمده اند، از اين رو قدر و منزلت اين شبها را فراموش كرده، زيباترين نعمت هاى خداوندى را از دست مى دهند؛ ولى مومنان وارسته از قيود مادى و حجب ظلمانى كه در عطش قرب الى الله مى سوزند، مامورند تا اين شب عزيز را فراموش نكنند و در بزرگداشت آن، بكوشند و آن را قدر بدانند، زيرا اين لحظه هاى طلايى هميشه نصب آدمى نمى شود.

خوشا به حال كسى كه در اين شب به انجام اعمال مخصوص توفيق يابد و اين فرصت هاى گران بها و لحظه هاى گرانقدر را مغتنم شمارد و از سفره گسترده ضيافت الهى بهره مند شود!

آفرين بر كسى كه اهميت «شب قدر» را در يابد و در اين شب ارتباط خود را با قرآن و على عليه‌السلام، اين دو سرمايه نفيس و يادگاران جاودانه نبوى، محكم كند و براى هميشه از آن دو جدا نگردد.

## پيشتازان اين ميدان

تا آنجا كه از كتاب هاى تراجم و فهرست ها به دست مى آيد، درباره «ليلة القدر» كتاب ها و رساله هاى مستقلى نوشته اند، از جمله: تعيين ليلة القدر، مولى اسماعيل خواجويى، كه در جلد اول مجموعه رويت هلال چاپ شده است.

شب قدر، سيد ابوالحسن رفيعى قزوينى. (21)

شب قدر، شهيد شيخ على اكبر اژه اى.

تفسير سوره القدر، محمد محيى الدين گلشن نما فتح الله (دار الكتب) قاهره. (22)

ليلة القدر، حاج آقا مجتبى عراقى.

ليلة القدر، فرح قطيفى. (23)

حول ليلة القدر، على كريمى جهرمى (دست نوشت).

درباره خصوصيات «شب قدر»، سخنانى بر زبان مردم رانده مى شود كه هرگز با مقام ارجمند و روحانى اين شب رابطه اى ندارد؛ (24) اين سخنان حتى در نزد علما نيز به قدرى رواج يافته است، كه در بعضى از نوشته ها يا گفتارهايشان چيزهايى ديده يا شنيده مى شود، كه مردم را از جنبه روحى شب قدر باز داشته و آنها را به ظواهر مادى سرگرم مى نمايد و طبيعى است كه با وجود سرگرمى هايى كه نه به كار روح مى خورد و نه دل را بيدار، انسان را در حجاب هايى ظلمانى، گرفتار مى سازد.

توجه به اين سخنان رايج درباره شب قدر باعث شد در حد استطاعت و توفيق، رساله اى مستقل در اين خصوص تهيه كنم و در دسترس خوانندگان عزيز قرار دهم.

اميد است كه اين جزوه، در روشن ساختن شرافت و اعمال اين شب تاريخى و بزرگ مؤ ثر و مفيد واقع شود و اثرى سازنده در افكار مطالعه كنندگان عزيز به جا گذارد و مورد پسند ارباب فضل و دانش قرار گيرد. از خداوند متعال مى خواهيم كه در هر حال ما را به راه راست بدارد و لحظه اى ما را به خود وانگذارد. ربنا تقبل منا، انك اءنت السميع العليم.

قم - حوزه علميه

ناصر باقرى بيدهندى

15 محرم 1411 ه. ق

16 مرداد 1369 ه. ش

در نام گذارى ليله القدر

در وجه تسميه اين شب مبارك به شب قدر وجوهى را ذكر كرده اند، از آن جمله:

1. چون شب شريفى است به آن ليلة القدر مى گويند؛ يعنى شبى كه صاحب قدر و منزلت و شرافت است و از همين باب است «و ما قدروا الله حق قدره» (25) قدر خدا را چنان كه در خور اوست نشناختند. چنان كه عرب ها مى گويند: فلان له قدر، يعنى فلانى داراى شرافت و عظمت است. (26)

2. چون در اين شب، فرشتگان بسيارى به زمين مى آيند زمين تنگ مى گردد، لذا آنرا شب قدر ناميدند، زيرا قدر به معناى ضيق و تنگى است؛ آيه شريفه (و من قدر عليه رزقه) (27) روزى او تنگ شده است شاهدى بر مدعاى ماست. (28)

3. يكى از معانى قدر، تقدير و سرنوشت است و در اين شب، امور بندگان تا سال آينده مقدر مى گردد؛ و اين وجه را بسيارى از مفسران از جمله علامه طباطبائى استوار دانسته اند.

تفسير برهان از امام باقر عليه‌السلام روايت مى كند كه:

(يقدر فى ليلة القدر كل شى ء يكون فى تلك السنه الى مثلها من قابل، من خير و شر، طاعه و معصيه، و مولود و اجل، او رزق فما قدر فى تلك السنه و قضى فهو المحتوم و لله (عزوجل) فيه المشيئه؛)

«در شب قدر، هر امرى از امور بندگان تا شب قدر سال آينده معين مى گردد، از خير و شر، طاعت و معصيت، ولادت و مرگ و روزى موجودات و هر آن چه در آن سال مقدر گشته حتمى است و خداوند را در آن مشيت است. »

بعضى هم تعيين مقدرات را به معناى اندازه گيرى بودجه سالانه زندگى تفسير كرده اند كه در نتيجه، اختيار مصرف - در راه صحيح يا ناصحيح - به دست خود انسان است.

برخى آن را به شب امتحان دانش آموزان تشبيه كرده اند كه اگر آن شب را به مطالعه دقيق بگذرانند، موفقيت يك سال خود را تامين نموده اند و اگر به سهل انگارى و بى اعتنايى گذرانند، با دست خود، مقدرات يك سال خويش را به خسران و بدى رقم مى زنند و در آن سال در جا خواهند زد.

هم چنين اگر فردى شب قدر را با توبه و تصميم بر ترك گناه و عزم بر اجراى احكام نورانى قرآن سپرى كرد، مقدرات سال آينده اش به نيكى رقم خواهد خورد، وگرنه در جا خواهد زد و طعم تلخ خسران را خواهد چشيد. (29)

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

(يفرق الله فى ليلة القدر، ما كان من شده او رخاء او مطر؛ بقدر ما يشاء الله (عزوجل) ان يقدر الى مثلها من قابل. (30))

خدا در شب قدر آنچه از سختى يا خوشى يا باران است به مقدارى كه تا سال آينده خواهد، معين فرمايد.

محقق عالى قدر، مرحوم آيت الله حاج ميرزا ابوالحسن شعرانى مى نويسد:

بايد دانست كه مقدرات مردم، كه علم خدا بدان تعلق گرفته است، از ازل مبيّن بود، چون علم خدا ازلى است و آنچه خداوند به سبب دعا و اسباب ديگر محو و اثبات مى كند، در همه وقت است، زيرا كه به تواتر معلوم گرديده است كه در همه ايام سال، دعاها مستجاب شده و خداوند وعده اجابت را منحصر به شب قدر نساخته و اين كه تقدير مقدرات در شب قدر خواهد بود، از مشكلاتى است كه معناى آن بر ما معلوم نيست، مگر آن كه بگوييم: دعا در اين شب به اجابت نزديكتر است. (31)

4. گفته شده است كه علت نامگذارى اين شب به «قدر» آن است كه (انزل فيها كتاب ذوقدر، الى رسول ذى قدر، لاءجل امة ذات قدر، على يدى ملك ذى قدر.) قرآن با قدر و منزلت بر پيامبر والاقدر و براى امت باقدر و ارزش، به واسطه ملكى صاحب قدر، نازل گرديده است. (32)

5. گاه نيز گفته اند: شبى است كه مقدر گرديده تا «قرآن» در آن نازل شود.

6. يا از آن رو كه هر كس اين شب را زنده بدارد و احيا نگه دارد صاحب قدر و منزلت مى گردد، به ليلة القدر معروف شده است.

ناگفته پيداست كه جمع بين اين وجوه نيز امكان دارد.

شب قدر مخصوص زمان پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نيست

برخى از برادران اهل سنت (33) گمان كرده اند كه شب قدر در زمان حيات رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بوده و پس از آن نيست.

اين قول، ضعيف است، زيرا در بعضى تفاسير روايت شده كه ابوذر غفارى فرموده است: به پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گفتم: آيا شب قدر در زمان انبياست كه امر بر آنان نازل مى شود و هنگامى كه چشم از جهان بربستند، ديگر مرتفع مى گردد؟ حضرت فرمودند: خير، شب قدر تا روز قيامت وجود دارد. (34)

از اين روايت، وجود امام در هر زمان و عصرى نيز استفاده مى گردد؛ يعنى بايد امامى وجود داشته باشد تا ملائكه و روح در شب قدر به محضر مباركش فرود آيند و مقدرات بندگان را به حضرتش عرضه دارند؛ البته پرواضح است كه اين امر، اكرامى از جانب خداوند نسبت به امام عليه‌السلام است و هيچ منافاتى با «وحى» كه در خصوص انبيا باشد، ندارد.

ابن عمر گويد: از پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم درباره ليلة القدر سوالى شد و من آن را شنيدم كه حضرت در پاسخ فرمودند: « (هى فى كل رمضان)؛ (35) شب قدر در هر ماه رمضان وجود دارد. »

و در روايت ديگرى از امام باقر عليه‌السلام مى خوانيم:

(... انه لينزل فى ليلة القدر الى ولى الامر تفسير الامور، سنة سنة، يؤ مر فيها فى امر نفسه بكذا و كذا، و فى امر الناس بكذا و كذا؛ (36))

در «شب قدر» به ولى امر (امام هر عصرى) تفسير امور، سال به سال نازل مى گردد و درباره خود و ديگران به دستورهاى مخصوصى مامور مى گردد.

آيه شريفه (تنزل الملائكه و الروح) (37) و نيز آيه شريفه (فيها يفرق كل اءمر حكيم) (38) كه به صيغه مضارع آمده است، بر اين مطلب دلالت مى كنند، زيرا فعل مضارع (تنزل، يفرق) دلالت بر استمرار و تجدد در استقبال دارد و آيه (سلام هى حتى مطلع الفجر) (39) نيز گواه ديگرى است، زيرا جمله اسميه مى باشد و بيانگر دوام است. پس آوردن سلام و رحمت فرشته ها، براى هميشه تاريخ در شب قدر هر سال است، اگر چه وحى قطع شده است.

مفسر معروف عامه، «رشيد الدين ميبدى» مى نويسد:

برخى گفته اند: اين شب قدر در روزگاران پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بود و سپس از ميان رفت، اما چنين نيست، زيرا كه همه اصحاب پيامبر و علماى اسلام معتقدند كه شب قدر تا قيام قيامت، باقى است. (40)

بيشتر دانشمندان اهل سنت با ميبدى هم آوا هستند، (41) لذا به تاءويل حديثى كه بخارى در صحيح خود (42) درباره برطرف شدن شب قدر از ميان امت نقل كرده، مى پردازند و مى گويند: منظور، از بين رفتن معرفت و بركت شب قدر است، نه اصل آن. (43)

آيا شب قدر مخصوص به امت اسلامى است؟

روايت هاى مختلفى در اين باب وارد شده است كه بعضى از آنها بر مختص ‍ بودن شب قدر دلالت مى كنند، از آن جمله است روايت ذيل:

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: (ان الله وهب لامتى ليلة القدر، لم يعطها من كان قبلهم. (44)) خداوند به امت من شب قدر را بخشيد در حالى كه هيچ يكى از امت هاى قبلى از اين بخشش الهى برخوردار نبودند.

از برخى روايت هاى ديگر استفاده مى شود كه در دوران پيامبر پيشين نيز بوده است. (45)

علاوه بر روايات از خود قرآن نيز مى توان اين مطلب را استفاده كرد، زيرا نزول قرآن در شب قدر بوده و روشن است كه ظرف بايد پيش از مظروف وجود داشته باشد.

فضايل شب قدر

شب قدر از شب هاى با عظمت و با اهميت سال است و دليل فضيلت اين شب بر ساير شب ها به اعتبار امورى است كه در اين شب محقق مى گردد وگرنه اجزاى زمان يا مكان، درجه و رتبه وجودى شان يكى است و بين آنها تفاوتى وجود ندارد.

## شب آمرزش گناهان است

در منهج الصادقين در تفسير سوره «قدر» از پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روايت شده كه فرمودند: «هر كس شب قدر را احيا دارد و مومن باشد و به روز جزا اعتقاد داشته باشد، تمامى گناهانش ‍ آمرزيده مى شود. »

## قلب ماه رمضان است

در روايتى مى خوانيم كه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «از كتاب خدا استفاده مى شود كه شماره ماه هاى سال نزد خداوند، دوازده ماه است و سر آمد ماه ها، رمضان است و قلب ماه رمضان، ليلة القدر است. » (46)

## سرور شب هاست

پيامبر خاتم فرمود: (ليلة القدر سيدة الليالى) (47) شب قدر، سرور شبهاست.

## از هزار ماه بهتر است

در فرهنگ غنى اسلام، همه امور را با معيارهاى الهى مى سنجند؛ از اين رو قرآن كريم، ابراهيم، «قهرمان توحيد» را يك امت مى داند و يا در مورد شب قدر در قرآن مى خوانيم: (ليلة القدر خير من اءلف شهر) و در صحيفه سجاديه (دعاى 44) آمده است كه (فضل ليله واحدة من لياليه، على ليالى الف شهر و سماها، ليلة القدر (48). (49))

## به چه سبب شب قدر بهتر از هزار ماه است؟

در خبرى از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نقل شده است: هنگامى كه ماه رمضان نزديك شد - در ايامى كه سه روز از ماه شعبان باقى بود - به بلال گفت: مسلمانان را به مسجد بخوان و چون گرد آمدند، بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثناى الهى فرمود: اى مردم! پروردگار اين ماه را به شما اختصاص داده است، آن سيد ماههاست و در آن شبى است كه از هزار ماه نيكوتر است. (50)

نظرهاى گوناگونى در خصوص بهتر بودن اين شب مبارك از هزار ماه، ابراز شده است. (51)

الف) عمل نيك در اين شب از هزار ماهى كه در آنها شب قدر نباشد بهتر است و در اين خصوص، روايت زير قابل دقت است:

راوى از امام صادق عليه‌السلام سوال مى كند: چگونه ممكن است شب قدر از هزار ماه بهتر باشد؟

امام عليه‌السلام فرمودند: (العمل فيها خير من العمل فى الف شهر ليس فيها ليله القدر. (52))

ب) از امام زين العابدين عليه‌السلام روايت شده كه فرمود: خدا به رسول خود محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم گفت: آيا مى دانى براى چه شب قدر از هزار ماه برتر است؟ اظهار داشت: نه.

خداوند فرمود: براى اين كه در اين شب، فرشتگان و روح به اذن بارى تعالى هر امرى را فرود مى آورند. (53)

ج) نزول قرآن در آن شب.

حال كه كلام به اين جا رسيد، بد نيست تا اشاره اى گذرا به وجوه ديگرى كه دانشمندان نقل كرده اند، داشته باشيم:

الف) عبادت يك شب پيروان پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از سلطنت هزار ماه بنى اميه - كه تقريبا هشتاد و اندى سال مى شود - برتر است. (54)

ب) نقل است كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نام چهار تن از عابدان (يحيى، زكريا، حزقيل و يوشع) را بر زبان جارى كرد و فرمود: «اينان هشتاد سال خدا را پرستيدند و لحظه اى هم از ياد او غافل نشدند و مرتكب گناه نگرديدند. » حضار تعجب كردند. جبرئيل «سوره قدر» را فرود آورد. (55)

پ) ابوبكر ورّاق گويد: ملك سليمان هزار ماه بود و ملك ذوالقرنين هزار ماه و كسى كه در شب قدر خدا را عبادت كند، از ملك و سلطنت آن دو بهتر است.

ت) ثعلبى گويد: پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به ياران خود فرمودند: در بنى اسرائيل، عابدى مى زيست كه «شمسون» نام داشت، وى هزار ماه، سلاح بست و در راه خدا نبرد كرد. صحابه گفتند: آيا ما نيز با اين عمر كوتاه به چنين سعادتى نائل خواهيم شد؟ كه سوره قدر نازل گرديد.

ه) شب قدر از هزار ماه بهتر است، زيرا بر امت هاى پيشين، هزاران ماه گذشت و آنان در تاريكى ها و گمراهى ها به سر مى بردند.

## نزول قرآن در اين شب

طبق روايات موجود، مجموع قرآن، كه معجزه جاويد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم است، در شب قدر دفعتا به صورت يك روح از لوح محفوظ به آسمان دنيا يا بيت المعمور و يا قلب پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نازل شده است.

اين را اصطلاحا نزول دفعى (يكباره) و نزول اجمالى قرآن مى گويند، اما قرآن يك نزول تدريجى و تفصيلى هم دارد، كه طى 23 سال دوران نبوت پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به صورت الفاظ نازل شده است.

به همين علت، لغويان بين كلمه نزول از باب افعال و از باب تفعيل فرق گذارده اند؛ از اين رو آياتى كه با لفظ «انزال» و مشتقات آن آمده، ظاهر در نزول «دفعى» مى دانند و آياتى كه با لفظ «تنزيل» و مشقات آن وارد شده است، ظاهر در نزول «تدريجى» مى دانند.

## سوره قدر

نامگذارى يكى از «سور قرآن» به نام قدر (سورة القدر)، گوياى فضيلت و اهميت اين شب است.

## شب مبارك

شب قدر شبى مبارك و فرخنده است، چون قرآن كه بهترين خيرات و بركات است، در اين شب نازل شده است: (انا اءنزلناه فى ليله مباركة.)

تعيين شب قدر

در اين كه شب قدر، بيش از يك شب در سال نيست و در اين كه آن شب در ماه مبارك رمضان واقع شده است، نزد ما خلافى نيست، اما در تعيين يكى از شب هاى ماه رمضان، به عنوان شب قدر، بين علما و دانشمندان، اختلاف وجود دارد. و همان طور كه «صلوة وسطى» در بين نمازهاى پنج گانه و «اسم اعظم» در ميان اسماى الهى و «ساعت استجابت دعا» در ساعت هاى روز جمعه و «ولى خدا» در بين بندگان و «رضاى خدا» در طاعات و «سخط خود را» در سيئات گذاشته است (56) و وقت قيام ساعت و هنگام قيام امام زمان (عج) و وقت مرگ را نيز مشخص نفرموده است - تا اهل معصيت آنها را وسيله نيل به مقاصد خود قرار ندهند - و در مقابل، مومنان بيشتر مراقب اعمال و رفتار خود باشند و كليه نمازهاى روزانه را با توجه و دقت كامل انجام دهند و كليه اسماى الهى را نيز مواظبت كنند و به همه بندگان احترام نمايند و روز جمعه به دعا بيشتر همت گمارند، زيرا:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چه هر گوشه، تير نياز افكنى  |  | اميد است ناگه كه صيدى زنى  |

و قيام قيامت، مخفى است تا مردم از وقوع ناگهانى او وحشت داشته باشند و شب قدر، نيز مستتر و مخفى است و دقيقا مشخص نيست؛ اما بى گمان اين عدم تعيين به نفع بندگان است و در روايت آمده است كه:

(قيل لاميرالمؤ منين عليه‌السلام: اخبرنا عن ليلة القدر؟ قال: ما اءخلوا من ان اكون اعلمها و لست اشك ان الله انما يسترها عنكم، نظرا لكم، لاءنه لو اعلمكموها عملتم فيها و تركتم غيرها. (57))

به امير مؤ منان على عليه‌السلام گفتند: ما را از شب قدر آگاه كن. فرمود: خالى از اين نيستم كه آن را بدانم. شك ندارم كه خداوند به خاطر كمك كردن و مهلت دادن به شما آن را از شما مى پوشاند، چون اگر آن را به شما اعلام مى كرد، در همان شب عمل مى كرديد و در غير آن شب، عبادت را ترك مى كرديد.

بنابراين شايد حكمت اخفا و مجهول ماندن آن اين باشد كه مومنان، شبهاى بيشترى را قدر بدانند و به آرزوى درك فضيلت آن به كارهاى نيك و عبادت بيشترى پرداخته و از معاصى و زشتيها دورى گزينند و در پرستش خداوند تلاش نمايند. (58)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى خواجه، چه گويى ز شب قدر نشانى  |  | هر شب، شب قدر است، اگر قدر بدانى  |

علت ديگر اين امر را اين گونه گفته اند:

هنگامى كه بنده با اين كه يقين به ليله القدر ندارد و در اطاعت و بندگى، كوشش و جهدى به سزا انجام داد تا شايد آن شب را درك كند، خداوند متعال در برابر ملائكه به انسان مباهات مى كند و مى گويد:

اين همان موجودى است كه آنان را مفسد و خون ريز، معرفى مى كرديد؛ اينكه تلاش و كوشش او را در شبى كه احتمال شب قدر بودن آن مى رود بنگريد و قضاوت كنيد كه اگر يقين به آن شب داشت، چگونه اطاعت و بندگى مرا مى نمود؛ در اين هنگام روشن شد كه: انى اعلم ما لا تعلمون... (59)

علت ديگر هم اين كه اگر اين شب خجسته معين بود، برخى بر اثر توفيق احياى آن، مبتلا به عجب و غرور مى گردند و اگر معين نباشد، بر اثر تمرين و مراقبت بيشتر، ملكات فاضله در نفسشان راسخ ‌تر مى گردد و از بركات و پاداش هاى بيشتر بهره مى گيرند. (60)

استاد على كريمى جهرمى در كتاب حول ليلة القدر وجوهى براى اختفاى اين شب ذكر كرده اند، كه از آن جمله است:

اگر اين شب معلوم بود، حرمت و عظمت در خور شأن را در نظر مردم نداشت. سيره مردمان بر اين است كه براى هر چه از ديد آنان مخفى است، احترام بيشترى قائلند، چنان كه احترام گذارى آنان بر قبور ائمه و اعتاب آن بزرگواران كه در مسيرهاى دور و دراز است، بيشتر از قبورى است كه در شهر و محل سكونت آنهاست و لذاست كه در عزلت، عزت و كرامت است، اما در معاشرت پياپى، ذلت و مهانت.

و در كشكول شيخ بهايى مى خوانيم:

در مشهد رضوى، در ماه ذى القعده، سال 1007 اين اشعار را گفتم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تو ز ديو نفس اگر جويى امان  |  | رو نهان شو، چون پرى از مردمان  |
| چون شب قدر از همه مستور شد  |  | لاجرم از پاى تا سر، نور شد  |
| اسم اعظم چون كسى نشناسدش  |  | سرورى بر كل اسما بايدش  |
| گنج خواهى، كنج عزلت كن مقام  |  | واستتر واستخف، عن كل الاءنام  |
| تا تو نيز از خلق پنهانى همى  |  | ليله القدرى و اسم اعظمى  |

در شب ديگر كه اين اشعار را گفتم، در خواب ديدم كه پدرم رقعه اى به من داد، چون ملاحظه كردم، ديدم بر بالاى آن اين آيه شريفه مرقوم است:

(تلك الدار الاخره نجعلها للذين لا يريدون علوا فى الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقين.)

شايد هم به منظور تعظيم و بزرگداشت آن، معين اش نكرده اند تا بندگان خطاپيشه با انجام گناه، حرمت آن را نشكنند و مورد خشم پروردگار قرار نگيرند. (61)

از ابن عباس روايت كرده اند كه جمله ليله القدر سه بار در سوره قدر تكرار شده و مجموع حروف ليله القدر نه حرف است و حاصل ضرب سه در نه، بيست و هفت است، به همين مناسبت بايد شب قدر، شب بيست و هفتم باشد. (62)

در كتاب احكام القرآن ابن عربى معافرى اندلسى مالكى، درباره تعيين «شب قدر» گويد:

شب 27 رمضان، شب قدر است، زيرا علما حروف سوره قدر را شمرده اند و چون به كلمه «هى» رسيدند، آن را 27 حرف يافتند و دانستند كه شب قدر، 27 رمضان است. (63)

البته اين روش برداشت از قرآن در نزد مفسران و محققان ما ناصحيح است؛ دانشمند شهير شيعه، مرحوم محمد جواد مغنيه، پس از نقل اين كلام مى گويد:

اين نبوغ در استنتاج و اين ورع در تفسير كلام خدا، شى ء عجيب و غريبى نيست از كسى كه در مقام تعليق زدن بر فتواى امام شافعى مى نويسد: «هذا كلام من لم يذق طعم الفقه» و نيز در تعليق بر فتواى امام ابو حنيفه گويد: «هذا فقه ضعيف. »

در هر حال برخى تصور كرده اند كه همه شب هاى ماه رمضان، احتمال قدر بودن را دارد. و بعضى با استفاده از بعضى روايات، شب اول و برخى شب هفدهم (64) و عده اى شب نوزدهم را شب قدر معرفى كرده اند.

جمع كثيرى به استناد روايات فراوان ديگر معتقدند كه در دهه آخر ماه رمضان است و اين قول، اتقان بيشترى دارد.

اينك، به پاره اى روايات كه مستند قول اخير است، اشاره مى كنيم:

1. حمران از امام پنجم عليه‌السلام درباره آيه (انا اءنزلناه فى ليلة مباركة) (65) مى پرسد. امام باقر عليه‌السلام در جواب مى فرمايد:

(نعم ليله القدر، فى كل سنه، فى شهر رمضان، فى عشر الاواخر؛ (66))

بلى، آن شب قدر است كه در تمام سالها در دهه آخر رمضان واقع شده است.

2. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مى فرمايند:

(التمسوها فى العشر الاواخر)؛ (67) شب قدر را در دهه آخر ماه مبارك رمضان بجوييد.

3. و نيز نقل است كه: (ان النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم كان يوقظ اهله، فى العشر الاواخر من شهر رمضان؛) رسول خدا اهل خويش را در دهه آخر ماه رمضان بيدار مى كرد.

شب بيست و سوم

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آنشب قدریكه گويند اهل خلوت امشب است  |  | يارب اين تاثير دولت از كدامين كوكب است  |

در تعيين «شب قدر» اختلاف نظر است، ولى از مجموع روايت هاى وارد شده در اين موضوع و سيره پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بيت عليهم‌السلام و اصحاب مى توان گفت:

شب قدر بودن شب بيست و سوم ماه مبارك رمضان، يقينى است. و شب هاى نوزدهم و بيست و يكم وسيله اى براى دست يافتن به آن است.

اينك به ادله اى چند در اين خصوص اشاره مى شود:

الف) از شيعه و اهل سنت، نقل كرده اند كه: عبدالله انيس انصارى (جُهَنى) كه در خارج مدينه مى زيسته و شرايطش طورى بوده كه نمى توانسته زياد به مدينه بيايد و از خيرات و بركات رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم استفاده كند روزى خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شرفياب شد و عرض كرد: من شتران و گوسفندان و كارگرانى دارم و منزلم از مدينه دور است، ولى دوست دارم، يك شب از شب هاى ماه رمضان را معين فرماييد تا سعى كنم به مدينه بيايم و در نماز حاضر شوم.

(فدعاه رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فسارّه فى اءذنه، فكان الجهنى، اذا كان ليلة ثلاث و عشرين، دخل بابله و غنمه و اهله، الى المدينة؛ (68))

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مطلبى را به گوش او سرى فرمودند و پس از آن اين مرد، شب هاى بيست و سوم ماه رمضان با شتران و گوسفندان و كارگران خود وارد مدينه مى شد.

بعضى اين روايت را با شب قدر تطبيق داده اند.

ب) سفيان بن السمط گويد:

(قلت لابى عبدالله عليه‌السلام: الليالى التى يرجى فيها من شهر رمضان...)

«شبهايى كه احتمال مى رود، «شب قدر» در آنها باشد، كدام است؟ »

حضرت فرمود:

(تسع عشره واحدى و عشرين و ثلاث و عشرين)؛ شب نوزدهم و بيست و يكم و بيست و سوم است. »

(قلت، فان اءخذت انسانا، الفترة او علة، ما المعتمد عليه من ذلك؛)

پرسيدم: اگر كسى معذور باشد، به كدام شب بيشتر اهميت بدهد؟ فرمودند:

«ثلاث و عشرين؛ به شب بيست و سوم. »

پ) از امام صادق عليه‌السلام روايت است كه فرمودند:

(التقدير فى ليلة تسعه عشر، و الابرام فى ليلة احدى و عشرين، و الاءمضاء فى ليلة ثلاث و عشرين؛) اندازه گيرى و تقدير امور در شب نوزدهم انجام مى شود و سپس در بيست و يكم، ابرام و مهيا براى امضا مى گردد و آن گاه در شب بيست و سوم، امضا خواهد شد.

ت) شيخ صدوق مى فرمايد:

(اتفق مشايخنا - رضى الله عنهم - فى ليلة القدير، على انها ليله ثلاث و عشرين من شهر رمضان. (69)) بزرگان شيعه اتفاق كرده اند كه شب قدر، بيست و سوم رمضان است.

ث) فتّال نيشابورى نيز مى نويسد:

(اتفق اكثر مشايخنا - رضى الله عنهم - على ان ليلة القدر، ليله ثلاث و عشرين. (70))

«بيشتر مشايخ ما اتفاق كرده اند كه بيست و سوم ماه رمضان، شب قدر است.»

اعمال مخصوص اين شب نيز مؤ يد مدعاى ماست؛ مثلا انجام دو غسل (اول و آخر شب) و خواندن هزار مرتبه سوره قدر و تلاوت سوره دخان كه نخستين آيه اش اين است: (انا اءنزلناه فى ليلة مباركة).

ج) در تفسير گازر آمده است:

«عبدالله عمر گفت: در عهد رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چند نفر از صحابه به خواب ديدند كه شب قدر، شب بيست و سوم است. حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: خواب هاى شما موافق است، هر كه خواهد عبادتى كند، به شب بيست و سوم اهميت دهد. »

چ) و در خبر است كه بنى سلمه جمعى را به مدينه فرستادند تا از رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بپرسند كه شب قدر، كدام شب است. به نزديك حضرت آمدند و سوال كردند. حضرت در جواب پرسشى كردند: امشب چندم است؟ گفتند: بيست و دوم. سپس پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند: «فردا شب. »

ح) از امام صادق عليه‌السلام منقول است كه فرمودند:

(ان ليلة الثالث و العشرين من شهر رمضان، هى ليلة الجهنى، فيها يفرق كل امر حكيم، و فيها تثبت البلايا و المنايا و الاجال و الارزاق و القضايا و جميع ما يحدث الله فيها، الى مثلها من الحول، فطوبى لعبد احياها، راكعا و ساجدا و مثّل خطاياه بين عينيه و يبكى عليها، فاذا فعل ذلك، رجوت ان لا يخيب ان شاء الله. (71))

از اين روايت استفاده مى شود كه محققا شب بيست و سوم رمضان، همان ليله جهنى است كه در آن، هر امر محكمى فيصله داده خواهد شد و در آن شب، هر حادثه اى اعم از بلا، مرگ، زندگى و روزى و تمام آنچه از حوادث الهى در اين شب و ساير شب ها در طول سال واقع خواهد شد، معين مى گردد.

و سپس امام عليه‌السلام مى افزايند:

«خوشا به حال آن بنده اى كه شب ياد شده را به ركوع و سجود احيا نمايد و گناهان خود را در مقابل ديدگان مجسم كند و بر انجام آنها بگريد كه اگر چنين كرد، اميدوارم كه به خواست خدا نااميد نشود. »

حفص بن غياث از امام صادق عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نقل كرده است:

(انزل القرآن فى ثلاث و عشرين من شهر رمضان؛ (72))

قرآن در شب 23 رمضان نازل شده است. از سوى ديگر بر حسب دو آيه از قرآن، اين كتاب آسمانى در ماه رمضان و در شب قدر نازل شده است، بنابراين شب قدر شب 23 رمضان است.

سيد ابن طاووس رحمه الله مى گويد: «طبق كشف و بيان، شب قدر همان شب بيست و سوم رمضان مى باشد. » (73)

شب قدر در مناطق مختلف

آيا شب قدر در تمام كره زمين يك شب معين است يا متفاوت است؟

بعضى معتقدند، از آن جا كه شروع ماه هاى قمرى در همه مناطق همزمان نيست، شب قدر هم در همه بلاد، يك شب خاص نخواهد بود. برخى ديگر مى فرمايند: آغاز ماه هاى قمرى، در كليه مناطق يكى است و اگر در شهرى از شهرها هلال رؤ يت شود، آن شب در جميع مناطقى كه با محل رؤ يت در بخشى از شب مشتركند، اول ماه است و آن گاه پس از گذشت 23 شب از رويت هلال رمضان، آن شب «ليلة القدر» است.

دليل اين بزرگان، اطلاق صحيحه هشام بن حكم از امام صادق عليه‌السلام است كه فرمودند:

(ان كانت له بيّنه عادلة على اهل مصر، انهم صاموا ثلاثين على رؤ يته، قضى يوما.)

كسى به واسطه نديدن هلال، 29 روز ماه رمضان را روزه گرفت، سپس بينه عادله پيدا شد بر اين كه در شهرى از شهرها سى روز روزه گرفته اند، به واسطه رويت هلال در شب قبل آن، بايد يك روز قضا كند.

و در موثقه بصرى، امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

«فان شهد اهل بلد آخر، فاقضه؛ اگر اهل شهرى شهادت دهند كه هلال را ديده اند و در آن روز كه يوم الشك بود و روزه نگرفت، بايد آن را قضا كند. »

در اين مورد، صاحب جواهر و نراقى در مستند و حكيم در مستمسك، نيز اين قول را تقويت كرده اند.

و اما از آنجا كه اكثر فقها صحيحه هشام را مقيد دانسته اند، لذا بر ماست كه رعايت احتياط كرده و ضمن توجه به رويت هلال در شهرهاى نزديك و يا موافق در افق، شب بيست و سوم پس از رويت هلال در بلد خود را نيز احيا بداريم و همچنين شب بيست و سوم پس از رويت هلال در شهرهاى دور و يا مخالف در افق را نيز احيا بگيريم تا مطمئن به درك فضيلت شب قدر گرديم.

محرومان از بركات ليله القدر

از برخى روايات استفاده مى شود كه گروهى از اسلام و رحمت و ديگر بركات شب قدر محرومند و آنها عبارتند از:

1. شارب الخمر؛

2. خورنده گوشت خوك؛

3. كسى كه خود را به وسيله زعفران آرايش نمايد. (74)

4. آنان كه در منزل خود، سگ نگهدارى مى كنند (مگر به خاطر مصلحتى مشروع). (75)

5. ملعونان (منافقان)، رباخواران، پيشوايان شرور، كافران، رشوه گيران، رشوه دهندگان، قاطعان رحم، شهوت رانان، كتمان كنندگان حقيقت، فتنه گران، ظالمان، يارى دهندگان ظالمان، شراب خواران، اهل تهمت و دروغ و غيبت، تاركان معروف و عاملان منكر و عاق والدين و ساحران و...

6. كسى كه كينه برادر مسلمان خود را به دل گيرد و با او دشمن باشد.

ميبدى مى نويسد: فرشتگان و جبرئيل گرد عالم مى گردند و به همه جاى ها در آيند و به همه خانه هاى مومنان در شوند، خانه اى كه در آن جا «مى» بود يا مدمن الخمر بود يا فرزندى عاق بر پدر و مادر يا قاطع رحم بود يا در آن خانه سگى بود يا تصاوير يا كسى كه نماز نكند يا دو مسلمان كه با يكديگر به هجرت باشند و سخن نگويند، فرشتگان در اين خانه ها نروند و از خيرات و بركات اين شب محروم باشند. (76)

در رفع اين ابهام كه چرا عرشيان توجهى به اين گروه از انسان ها ندارند و چرا بايد از نورانى بودن شب قدر و بركات آن محروم باشند، بايد گفت:

اين گونه افراد با رمضان انسى ندارند و زمينه بهره ورى از بركات اين شب ها را در خود فراهم نياورده اند و روحشان نيز آمادگى پذيرش ملائك و حقيقت برتر از آن روح را ندارند؛ كسى كه در طول يك سال، با بى بند و بارى زندگى را ادامه داده و از انجام هر خلافى كوتاهى نكرده است، چگونه مى تواند چشم به شب قدر بدوزد و پذيراى ملائكه گردد؟!

آرى بايد نخست ديو را از جان بيرون راند و آن گاه به انتظار فرود آمدن ملائكه و روح و نيز بارش رحمت الهى نشست، زيرا وجود زمينه هاى پذيرش از ضروريات محسوب مى گردد.

البته ناگفته نماند كه تزكيه خانه دل از وسوسه هاى ابليس لعين و پاكسازى آن از آلودگى هاى ظلمانى و آنگاه ايجاد زمينه براى تغذيه سالم آن از غذاهاى معنوى و آرامش بخشى، هم چون ذكر و ياد خدا و توبه و استغفار و تلاوت قرآن و توسل و در نهايت، درك فيوضات الهى در ليله القدر، بدون توفيق از جانب حق تعالى به دست نمى آيد و روى همين اصل است كه عارف سالك، مرحوم ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى در المراقبات مى فرمايد:

«از مهم ترين دعاها در ماه رمضان، اين است كه براى توفيق «عبادت شب قدر» زياد دعا كند» و ما نيز دست به دعا برداشته و گوييم:

پروردگارا، ما را از آنان كه از خيرات و بركات اين شب (ليلة القدر) محرومند، قرار مده و خير دنيا و آخرت را براى ما و پدر و مادر و فرزندانمان مقدر فرما.

اجمالى از وظايف ما در شب قدر

اعمال و وظايف شب هاى قدر را مى توان به دو قسم تقسيم كرد:

1. وظايف مشترك؛

2. وظايف مخصوص؛

اينك به برخى از اعمال مشترك در شب هاى قدر اشاره مى كنيم تا آنان كه خواهان خوش كامى و خوش بختى هستند، به انجام آنها بپردازند:

## 1. غسل

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شست و شويى كن و آنگه به خرابات خرام  |  | تا نگردد ز تو اين دير خراب آلوده (77)  |

جهت پاكيزگى جسم و صفاى روح و روان، مستحب است (78) به نيت شب قدر و با قصد تقرب به خدا در اول آن شب، غسل انجام شود. (79)

سيد ابن طاووس در اقبال به سند خود از امام صادق عليه‌السلام روايت مى كند كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در دهه آخر ماه رمضان هر شب غسل مى كرد. (80)

## 2. احيا و شب زنده دارى

حضرت باقر العلوم عليه‌السلام به نقل از آباء كرامش نقل مى كند:

«رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نهى كرد كه از شب بيست و يكم و شب بيست و سوم، غفلت شود و نهى كرد كه كسى در آن شب بخوابد. » (81)

يحيى بن علاء گويد: «حضرت صادق عليه‌السلام سخت بيمار بود، دستور داد او را به مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بردند. آنجا تا صبح شب بيست و سوم ماه رمضان بيتوته كرد. » (82)

براى انسان مومن، سزاوار نيست تا در شبى كه آسمانيان ميهمان او شده اند، حجاب غفلت به روى خويش اندازد و خود را از همنشينى با آنها محروم سازد؛ لذا مستحب است، آن شب را تا صبحگاهان شب زنده دارى نمايد و اين خود نوعى مبارزه با خمودگى و سستى و خواب سنگينى است كه انسان را از هدف هاى عالى اش باز مى دارد و از همه مهم تر اين كه طريق شكستن شب و خاتمه دادن به حاكميت ظلمت را به ما مى آموزد و آدمى را به مقام «محمود» مى رساند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مگو شبى به عبادت چگونه روز كنم  |  | كه دوست را ننمايد شب وصال، دراز  |
| بر آر دست تضرع، ببار اشك ندم  |  | ز بى نياز بخواه، آنچه بايدت بى ناز  |

## 3. شناخت شأن قرآن

## 4. تلاوت قرآن

چه لذت بخش است كه در شب نزول قرآن، كنار چشمه سار كلام وحى خاضعانه بنشينيم و دل و قلب تشنه را از آن سيراب نماييم. و چه شيرين و شور آفرين است لحظه فرا رسيدن وقت ديدار و عروج كه مريضان و دردمندان در ساحت قرآن دست نياز بلند مى كنند و زمزمه «القرآن شفاء» را سر مى دهند.

شبى كه تلاوت قرآن (هر قدر ميسور باشد) در آن شب، بهترين ذكر است، به خصوص تلاوت سوره هاى «يس»، «عنكبوت»، «روم»، «دخان».

در تلاوت قرآن، اولين نكته اى كه لازم است مورد توجه قرار گيرد، الهام گرفتن از آن براى تقويت فكر و انديشه و ايمان و شناخت مبداء و معاد و يافتن راه سعادت و فلاح و قرب الى الله است و دومين نكته، اهداى ثواب آن به اروح طيبه انبيا و ائمه هدى عليهم‌السلام و شهدا و صلحا و علما و گذشتگان به خصوص بنيان گذاران مراكز مذهبى كه خود سبب مضاعف شدن ثواب مى گردد و سومين نكته، رعايت آداب قرائت است.

## 5. توبه و استغفار

چه فرصتى بهتر از شب قدر براى آشتى كردن با خدا و بازگشت به سوى او، شبى كه مى توان آبرومندان درگاه حق و ملائكه و روح و قرآن را واسطه قرار داد و آن گاه با دلى سرشار از اميد به رحمت و مغفرت، متوجه رب العالمين شد؛ به حق، شب قدر، شب توبه و بازگشت به سوى خداست كه:

(ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين. (83))

به راستى خدا افرادى را كه پى در پى توبه و استغفار مى كنند و نيز طهارت جويان و پاكى طلبان را دوست دارد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فرارى ها ز عصيان باز گرديد  |  | به الطاف خدا دمساز گرديد  |
| بينديشيد، يزدانى رحيم است  |  | به راه آييد رحمان و كريم است  |
| گناه بنده عاصى ببخشد  |  | به هر ادعوك صد لبيك گويد  |

در بعضى از اخبار آمده است، زمانى كه فرد گنهكار از كرده خود پشيمان شد و به سوى خدا بازگشت و گفت:

(الهى انا اءساءت. يقول الله تعالى: و انا سترت؛)

خدايا من بد كردم. خداوند متعال مى فرمايد: من آن را پوشاندم.

فيقول: «الهى انا ندمت؛ من پشيمان شدم. »

خداوند مى فرمايد:

«و انا قبلت؛ من هم قبول كردم. »

و مى فرمايد:

(ايها الشاب، اذا تبت ثم نقضت، فلا تستحى ان ترجع الينا؛)

اى جوان! چنان چه توبه كردى و شكستى، از اين كه دوباره به سوى ما باز گردى شرمگين مباش.

(و اذا انقضت ثانيا، فلا تستحى او يمنعك الحياء ان تاءتينا ثالثا، و اذا انقضت ثالثا، فارجع لينا رابعا...)

«هر گاه براى دومين بار توبه خود را شكستى، شرمگين مباش و مبادا حيا تو را از بازگشت به سوى ما براى سومين بار باز دارد و اگر بار سوم هم توبه خود را شكستى، باز هم براى چهارمين بار به سوى ما باز گرد. »

(فاءنا الجواد الذى لا ابخل؛)

«منم بخشنده اى كه بخل نمى ورزم. »

(و انا الحليم الذى لا اعجل؛)

«منم حليم و بردبارى كه عجله نمى كنم. »

(و انا الذى استر على المعاصى و اقبل التائبين و اعفو عن الخاطئين و ارحم النادمين و انا ارحم الراحمين؛)

«منم آن كه بر گناهان پرده مى افكنم و توبه كنندگان را مى پذيرم و از خطاكاران در مى گذرم و به پشيمانان رحم مى نمايم و منم ارحم الراحمين. »

(من ذا الذى اءتى الى بابنا فرددناه؛)

«چه كسى به درگاه ما آمد و او را رد كرديم؟ »

(من ذا الذى، لجاء الى جانبنا، فطردناه؛)

«چه كسى به ما پناه آورد و ما او را رد كرديم؟ »

(من ذا الذى، تاب الينا و ما قبلناه.)

«چه كسى به نزد ما بازگشت كه او را نپذيرفتيم؟ »

(من ذا الذى، طلب منا و ما اعطيناه.)

«چه كسى از ما خواهشى كرد كه به او عطا نكرده باشيم؟ »

(من ذا الذى استقال (استغفر) من ذنبه فما غفرناه؛)

«چه كسى از ما طلب آمرزش كرد كه ما او را نيامرزيده باشيم؟ »

(انا الذى اغفر الذنوب، و استر العيوب، و اغيث المكروب، و ارحم الباكى الندوب و انا علام الغيوب؛ (84))

«منم خدايى كه گناهان را مى آمرزم و عيب ها را مى پوشانم و اندوهناكان را يارى مى رسانم و بر گريه كننده و زارى كننده رحم مى كنم و منم داناى امور آشكار و نهان. »

### چرا بايد استغفار كرد؟

هر عملى داراى آداب و رسوم و شرايط و موانعى است كه با رعايت آنها استغفار واقعى تحقق مى يابد.

### شرايط توبه و استغفار

اول: پشيمانى از گناه (الندم على ما مضى).

دوم: تصميم هميشگى بر ترك گناه و كج روى ها و كج انديشى ها (العزم على ترك العود اليه ابدا.)

سوم: اداى حقوق مردم (ان تؤ دى الى المخلوقين حقوقهم.)

چهارم: تدارك واجبات (ان تعمد الى كل فريضه عليك ضيعتها فتؤ دى حقها.)

پنجم: از بين بردن گوشت هاى حرام (ان تعمد الى اللحم الذى، نبت على السحت، فتذيبه بالاحزان...)

ششم: چشيدن رنج عبادت (85) (ان تذيق الجسم اءلم الطاعة كما اذقته حلاوه المعصيه.)

## 6. خواندن دعاى جوشن كبير و ديگر ادعيه ماءثوره

از جمله:

(اللهم انى امسيت لك عبدا داخرا، لا املك لنفسى نفعا و لا ضرا و لا اءصرف عنها سوءا، اشهد بذلك على نفسى، و اعترف لك بضعف قوتى و قلة حيلتى، فصل على محمد و آل محمد و اءنجز لى ما وعدتنى و جميع المؤ منين و المؤ منات من المغفرة فى هذه الليلة و اءتمم علىّ ما آتيتنى فانى عبدك المسكين المستكين الضعيف الفقير المهين، اللهم لا تجعلنى ناسيا لذكرك فيما اوليتنى و لا غافلا لاحسانك فيما اعطيتنى و لا آيسا من اجابتك و ان ابطاءت عنى فى سراء او ضراء او شدة او رخاء او عافية او بلاء او بؤ س ‍ او نعمآء، انك سميع الدعاء؛ (86))

خداوندا، من در حالى كه بنده آستان بوس تو بودم، شب را به پايان بردم، مرا انديشه سود و زيانى براى خويشتن نيست و قدرت آن را در خود نمى بينم كه بدى را از خويش دور نمايم، اين اعتراف را به زيان خود و به سبب ناتوانى و درماندگى مى كنم، پس از تو مى خواهم كه بر محمد و آل او رحمت فرستى و آنچه را كه از آمرزش به من و همگى زن و مرد مؤ من نويد داده اى، به انجام رسان و نعمت خود را بر اين بنده فقير و بيچاره و ناتون، كامل گردان؛ خداوندا، مرا از ياد خود فراموشى مده، به خاطر آنچه كه به من ارزانى داشته اى و مرا بى خبر از احسان و نوميد از رحمتت قرار مده، هر چند سستى در نهان و آشكار و سلامت و بيمارى و سختى و آسودگى از سوى من بوده باشد، كه تو دعاى ما را مى شنوى و اجابت خواهى كرد. »

### فهرست برخى از شرح هاى ادعيه رمضان

براى بهره ورى بيشتر خوانندگان عزيز و شب زنده داران بيدار دل از ذكر و دعا و با تاءمل در مضامين و معانى آنها مناسب ديديم كه به برخى از كتاب هايى كه درباره ادعيه ماه مبارك رمضان نوشته شده اشاره كنيم تا از اين معارف بلند و آموزنده بيشترين استفاده را ببريم:

\* آيينه مكارم، سيد روح الله خاتمى (رحمه الله عليه)، شرحى است بر دعاى مكارم الاخلاق

\* شرح الاسماء الحسنى، ملا هادى سبزوارى، شرح دعاى جوشن كبير است.

\* شرح اسماء الحسنى، سيد حسين همدانى درودآبادى.

\* تفسير دعاى سحر، امام خمينى (رحمه الله عليه)، ترجمه سيد احمد فهرى.

\* معارف الهى (شرح دعاى سحر)، احمد زمرديان شيرازى.

\* معارف الهى (شرح دعاى سحر)، استاد حسين مظاهرى.

\* شرح دعاى سحر، آية الله حبيب الله شريف كاشانى.

\* شرح دعاى سحر، آية الله سيد ابوالحسن قزوينى (رحمه الله عليه).

\* عشق و رستگارى (شرح دعاى ابوحمزه ثمالى)، احمد زمرديان.

\* راز سحرگاهى (شرح دعاى ابوحمزه ثمالى)، سيد حسين فاتحى.

\* ذخيرة المعاد، ملا نوروز على (فاضل بسطامى).

\* عنوان الكلام، آية الله ملا محمد باقر فشاركى.

\* مجالس الواعظين، مرحوم شيخ ذبيح الله محلاتى.

\* نيايش در رمضان، آقاى على حجتى كرمانى.

\* بيان حقيقت (شرح دعاى افتتاح)، احمد زمرديان.

\* شرح دعاى مكارم الاخلاق، سيد كاظم ارفع.

\* تفسير دعاى مكارم الاخلاق، محمد على بهمنى رامهرمزى.

\* مكارم الاخلاق، شمس المحدثين، على بن حسن حسينى.

\* شرح دعاى شريف مكارم الاخلاق، محسن كتابچى.

\* شرح دعاى افتتاح و كميل، محمد شهاب الدين العراقى.

\* بشنو از نى، عين - صاد (على صفايى).

\* سيناى نياز، جواد محدثى.

\* شرح دعاى افتتاح، محمد بن موسى العراقى لبزشلونى.

\* شرح دعاى سحر، احمد احسانى، شرح از حاج محمد كريم بن ابراهيم\* كرمانى.

\* شرح دعاى افتتاح، آية الله محمد رضا مهدوى كنى.

\* شرح و تفسير دعاى مكارم الاخلاق، محمد تقى فلسفى.

## 7. توسل به ولايت ائمه هدى

با توجه به آيه شريفه كه مى فرمايد:

(يا اءيها الذين آمنوا اتقوا الله و ابتغوا اليه الوسيلة؛ (87))

اى ايمان آورندگان! از خدا پروا نموده و وسيله اى براى رسيدن به او بجوييد.

(در لغت به آنچه كه توسط آن به چيزى توصل و تقرب جويند، «وسيله» مى گويند.)

در شب مبارك قدر وسيله اى مطمئن تر از ائمه هدى عليهم‌السلام براى انسان وجود ندارد، پس بايد به ايشان توسل جست، مخصوصا به مولى الموحدين، على بن ابى طالب عليه‌السلام كه «ليالى قدر» مصادف با شهادت مظلومانه آن امام متقين است و نيز با تمسك به زيارت ابا عبدالله الحسين عليه‌السلام به درگاه حضرت احديت به استغاثه پرداخت.

## 8. نماز

در اين شب فرشتگانى كه به زمين فرود مى آيند، بايد شاهد و ناظر ركوع و سود خالصانه و متواضعانه انسان باشند تا بدين وسيله، اشرفيت و خليفة اللهى او براى ايشان تفسير گردد و رمز سجده ملائكه را در برابر آدم دريابند؛ لذا در رديف اعمال و وظايف ليالى قدر، نماز كه سرلوحه همه عبادات است، به طرق مختلف وارد شده است:

اولا: خواندن نمازهاى قضا شده در گذشته - به خصوص نمازهاى سال اخير؛

ثانيا: خواندن نمازهاى مستحبى براى كسب ثواب بيشتر، از جمله نمازهاى ذيل:

الف) خواندن دو ركعت نماز با يك سلام، همچون نماز صبح، با اين تفاوت كه در هر ركعت پس از حمد، هفت مرتبه «سوره توحيد» بخواند و بعد از سلام، هفتاد مرتبه «استغفر الله و اتوب اليه» (88) بگويد.

ب) خواندن صد ركعت نماز، هم چون نماز صبح به صورت دو ركعتى و نيز مجاز است به جاى اين صد ركعت، شش روز از نمازهاى قضا شده خود را به جا آورد، به گونه اى كه از ظهر روز اول شروع كرده و در عشاى روز ششم ختم نمايد.

## 9. قرآن بر سر گرفتن

بر سر گرفتن قرآن با آن حالات خضوع و خشوع، نشانه تسليم در برابر دستورهاى حياتبخش و سعادت آفرين آن است و بيانگر اين كه مسلمان، كسى است كه قرآن را دائما در انديشه و فكر خويش دارد و دستورها و احكام آن را در عمل پياده مى كند.

استاد حسن زاده آملى - دام ظله الوارف - در نكته 490 كتاب هزار و يك نكته خود گويد:

«در ليالى قدر، قرآن به دل كن، نه فقط قرآن به سر، كه اولى جوهر ذات تو گردد و دومى خارج از گوهر تو است. »

## 10. تجديد عهد با امام زمان (عج) و خواندن دعاى فرج

از ائمه معصومين نقل است كه در شب بيست و سوم ماه رمضان و در طول آن ماه مبارك، در هر حالى (نشسته و ايستاده) و هر زمانى پس از ذكر و ياد خداى تعالى و درود فرستادن بر محمد و آل او عليهم‌السلام اين دعا را بخوان:

(اللهم كن لوليك الحجه بن الحسن صلواتك عليه و على آبائه فى هذه الساعه و فى كل الساعه وليا و حافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا، حتى تسكنه ارضك طوعا و تمتعه فيها طويلا. (89))

«بارالها در اين هنگام و براى هميشه ولى امرت، امام زمان حجه بن الحسن را - كه درودهايت بر او و پدرانش باد - سرپرست و نگهدار و رهبر و ياور و نگهبان باش تا گيتى را به فرمان او آورى و تا دير زمان بهره مندش ‍ گردانى. »

و نيز دعاى شريف افتتاح كه به امر آن حضرت مستحب است تا در هر شب رمضان خوانده شود و دعاهاى ماءثور و غير ماءثور ديگر كه در خصوص ‍ حضرتش وارد شده است، زيرا گفته اند:

«دعا به آن بزرگوار، نوعى از اداى حق ايشان است، كه جزء بهترين اعمال مى باشد و فوايد بى شمارى نيز براى خود ما هم دارد. »

## تذكرات لازم

براى اين كه اعمال و عبادات ما مقبول درگاه حق تعالى واقع گردد، بايد موانع قبولى عبادت ها و اجابت دعاها را برطرف ساخت؛ مثلا اگر حقوقى - اعم از مالى و عرضى - از ديگران به گردن ما هست، يا آن را به صاحبانش ‍ برگردانيم و يا از آنها طلب بخشش كنيم و حلاليت بطلبيم.

امام جعفر صادق عليه‌السلام فرمودند:

(اذا اءراد اءحدكم اءن يستجاب له، فليطب كسبه، وليخرج من مظالم الناس ‍ و ان الله، لا يرفع اليه دعاء عبد و فى بطنه حرام او عنده مظلمة من خلقه.)

اگر بر اثر غلبه شهوات و هواهاى نفس و مغلوب شدن قواى عقلانى، مرتكب معصيتى شديم، استغفار كنيم و تصميم بگيريم كه ديگر بار گرد آن گناه نگرديم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تاكنون كردى گنه، ديگر مكن  |  | تيره كردى آب را ديگر مكن  |

و اگر روحمان بيمار است و داراى بيمارى هاى روانى، از قبيل: كينه، حسد، بخل و... هستيم، خود را مداوا كرده و به جاى آنها بذر حلم و بردبارى، ايثار و گذشت، جود و بخشش در دلهايمان كشت نماييم، زيرا كه «شب قدر» فرصتى است طلايى براى شست و شوى آينه دل؛ چه شيرين است كه به حرمت اين شب، خوبى ها جاى بدى ها، صلح و صفا جاى اختلاف و تفرقه، برّ و احسان جاى ظلم و ستم، احسان به والدين جاى عاق والدين، صله رحم جاى قطع رحم و... را بگيرد؛ فرصتى است تا با اداى زكات و صدقات، قدمى در جهت عمران و آبادانى خانه عقبى برداشت و از همين جاست كه برخى از مؤ منان و متديّنان، خمس و زكات خود را در اين شب تاءديه مى كنند تا از ثواب بيشترى بهره مند شوند.

گفتنى است چنان كه ثواب اعمال نيكو در اين شب دوچندان است، كيفر معصيت هم در اين شب، بيشتر است، چرا كه حرمت اين شب مبارك هتك شده است؛ لذا در تاريخ مى خوانيم كه على عليه‌السلام به نجاشى شاعر، كه در ماه رمضان شراب خورده بود، زياده از حد شرابخوار، تازيانه زد.

در مقام پاسخ به سوال نجاشى كه عرض كرد: يا على! اين زياده براى چيست؟ فرمودند:

«براى هتك احترام ماه خدا. » (90)

2. از آن جا كه شب قدر، شب دعا و نيايش است، ضرورى است جهت اجابت دعاها، امور زير را رعايت كنيم:

الف) ابتدا نمودن به تمجيد و تحميد خداوند (متعال) و صلوات بر پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و آل او.

حارث بن مغيره مى گويد: از امام صادق شنيدم كه فرمودند:

(اياكم اذا اراد احدكم ان يساءل من ربه شيئا من حوائج الدنيا و الاخره، يبداء بالثناء على الله - عز و جل - و المدح له و الصلاه على النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، ثم يساءل الله حوائجه؛ (91))

«هيچ يك از شما نبايد در مقام حاجت خواهى از خدا بر آيد، مگر اين كه نخست به تمجيد و ثناى خدا و درود فرستادن بر پيامبر با كرامت اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بپردازد و سپس از پروردگار خود، حاجتهايش ‍ را مسئلت نمايد. »

محمد بن مسلم از امام صادق عليه‌السلام نقل كرده كه فرمود: در كتاب على عليه‌السلام آمده است:

(ان المدحة قبل المساءله، فاذا دعوت الله - عز و جل - فمجّده، قلت: كيف امجده؟ قال: تقول: يا من هو اقرب الىّ من حبل الوريد، يا فعّالا لما يريد، يا من يحول بين المرء و قلبه، يا من هو بالمنظر الاعلى، يا من ليس ‍ كمثله شى ء. (92))

«ستايش خدا قبل از سوال و تقاضا از اوست؛ لذا وقتى خداوند را مى خوانى، او را تمجيد كن. گفتم: چگونه او را تمجيد كنم؟

فرمودند: بگو، اى كسى كه از رگ گردن به من نزديكترى، اى كسى كه هر چه را بخواهى انجام مى دهى، اى آن كه بين انسان و قلبش حائل مى شود، اى كسى كه بر ديدگاه بلند مستقرى، اى فردى كه چيزى همانندش ‍ نيست. »

امام صادق عليه‌السلام در حديث ديگرى فرمود:

(اذا دعا اءحدكم فليبدء بالصلاة على النبى فان الصلواة على النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مقبولة و لم يكن الله ليقبل بعض الدعاء و يرد بعضه؛ (93))

«هرگاه فردى از شما به دعا كردن بپردازد، دعاى خود را با درود و تحيت بر محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شروع كند، زيرا صلوات بر پيامبر مقبول درگاه خداوند قرار مى گيرد و چنين نيست كه خداوند بخشى از اين دعا را بپذيرد و قسمت ديگر آن را رد كند. »

ب) مقدم داشتن ديگران بر خود در دعا.

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

(من قدّم اربعين رجلا من اخوانه، فدعا لهم، ثم دعا لنفسه، استجيب له فيهم و فى نفسه؛ (94))

«هر كس چهل تن از برادران دينى اش را بر خود مقدم دارد و درباره آنان دعا كند و پس از آن درباره خويش دعا نمايد، دعاى او مستجاب خواهد شد. »

پ) توأم بودن دعا با الحاح و اصرار.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گفت پيغمبر كه گر كوبى درى  |  | عاقبت زان آن در برون آيد سرى  |

با كمال ادب، حاجت هاى خود را بر زبان آورد و با متانت و آهسته او را بخواند، زيرا كه فرموده است:

(ادعوا ربكم تضرعا و خفية) (95)

پروردگارتان را با حالت زارى و پنهانى بخوانيد.

حضور يافتن در مكان هاى مقدس، همچون مساجد و شركت در اجتماع نيايش گران، ضمن اين كه بر ثواب اعمال شب قد مى افزايد، باعث كفاره گناهان و عمران خانه آخرت نيز مى شود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كه در اين خانه شبى راز كرد  |  | خانه فرداى خود آباد كرد  |

و خداوند سبحان فرمود:

(واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم.)

با كسانى باش كه خداى خود را صبح و شام مى خوانند.

و در روايت آمده است:

(و الزموا السواد الاعظم، فان يد الله على الجماعة؛ (96))

به توده مردم بپيونديد كه دست خدا بر سر جمعيت است.

ت) قبل از دعا در محضر خدا اعتراف به گناهان خود كرده و استغفار نمايد.

ث) به هنگام دعا دست هاى خود را بالا ببرد.

ج) پدر و مادر، فرزندان خود را دعا كنند و فرزندان نيز والدين خود را دعا كنند كه چنين دعايى مستجاب است. (97)

نكته قابل ذكر اين كه:

بايد از انجام عبادات و اعمالى كه در كتاب و سنت، وارد نشده است، خوددارى كرد، زيرا كه فرموده اند:

«قليل فى سنة خير من كثير فى بدعة. »

## قطع اميد از ديگران

يكى از مسائل مهم كه در دعا و به اجابت رسيدن آن موثر است، قطع اميد از غير خداست، از اين رو ادب دعا اقتضا مى كند كه قبل از آن چند بار با قرائت:

(اءمن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف السوء. (98))

اين معنا را متواضعانه اعلام نموده و زمينه توجه و فضل الهى را فراهم نمايد.

امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

(اذا اراد احدكم ان لا يساءل الله شيئا، الا اعطاه، فليياءس من الناس كلهم، و لا يكون له رجاء الا من عندالله جل ذكره، فاذا علم الله (جل و عز) ذلك من قلبه، لم يساءل الله شيئا الا اعطاه فحاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا عليها، فان للقيامة خمسين موقفا، كل موقف مقداره «الف سنة» ثم، تلا قوله تعالى: «فى يوم كان مقداره خمسين الف سنة مما تعدون. » (99))

«اگر يكى از شما بخواهد كه خداوند حاجتش را بر آورد، بايد اميدش را از ديگران قطع كند و به غير خداوند اميدى نداشته باشد و هنگامى كه خداوند، اين وضع را در قلبش ببيند، آن چه او طلب كند اجابت مى شود؛ بنابراين شما خود به حساب خويش برسيد، پيش از آن كه به حسابتان برسند، زيرا در قيامت، پنجاه توقفگاه وجود دارد كه هر يك هزار سال است. »

## 11. اعتكاف

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

(اعتكاف العشر الاواخر من شهر رمضان يعدل حجتين و عمرتين. (100))

اجر اعتكاف نمودن در ده روز آخر ماه رمضان، مساوى با ثواب دو حج و دو عمره است.

منظور از اعتكاف، توقف نمودن و ساكن شدن در مسجد جامع به قصد قربت و عبادت به مدت سه روز يا بيشتر با رعايت شرايط مخصوص آن كه داراى ثواب بسيار زياد است و از جمله عبادات مستحب مى باشد كه بزرگان دين به انجام آن، اهتمام ورزيده اند.

در كتاب كافى از جعفر بن محمد الصادق عليه‌السلام نقل شده است كه فرمودند:

(كان رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اذا دخل العشر الاواخر، اعتكف فى المسجد و ضربت له قبة من شعر، و شمّر المئزر و طوى فراشه؛)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چون دهه آخر ماه رمضان فرا مى رسيد، در مسجد اعتكاف مى نمود و براى حضرتش خيمه اى مويين مى زدند و كمرش را براى عبادت مى بست و بستر خويش را جمع مى كرد.

در حديث ديگرى از امام صادق عليه‌السلام آمده است:

(كانت بدر فى شهر رمضان و لم يعتكف رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم، فلما ان كان من قابل اعتكف عشرين عشرا لعامه، و عشرا قضاء لما فاته؛)

جنگ بدر در ماه رمضان اتفاق افتاد و (از اين رو) رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم موفق به اعتكاف نشدند، لذا در سال آينده، بيست روز (ده روز به عنوان اعتكاف همان سال و ده روز ديگر را نيز به عنوان قضاى اعتكاف سال گذشته) به اعتكاف پرداختند.

طبق آن چه در اركان اسلام (ص 163) آمده است، پس از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم همسران آن حضرت نيز چنين اعتكافى داشتند.

در تاريخ آمده است كه علماى بزرگ شيعه نيز اين سنت حسنه را در دهه آخر ماه رمضان انجام مى داده اند.

براى مطالعه بيشتر درباره اعتكاف به اين منابع مراجعه فرماييد:

اللمعة الدمشقيه، ج 2، كتاب الاعتكاف؛ شرائع الاسلام، ج 1، ص 251؛ التهذيب، ج 4، ص 217؛ مستمسك العروة الوثقى، ج 8، ص 536، روضة المتقين، ج 3، ص 496، اعتكاف در اسلام به قلم نگارنده.

اين بخش را به كلامى از مصلح مجاهد، شيخ محمد عبده، پايان مى بريم:

شب قدر، شب عبادت و تضرع و تذكر و يادآورى نعمت هاى خدا و دين است، لكن متاسفانه بسيارى از مسلمانان در چنين ايام و ليالى و موقعيت هاى مناسبى درباره مسائل و موضوعاتى سخن مى گويند كه مورد رضا و عنايت خداوند نيست؛ به آياتى از كلام الله گوش مى دهند، اما در مفاهيم آنها نمى نگرند و از معانى بلند آنها عبرت نمى گيرند... فقط به صدا و نغمه زيباى قارى قرآن توجه دارند، در اين شب در اوهام و خيالاتى غوطه ور مى شوند كه شايسته عقول كودكان نيست تا چه رسد به عقل هاى اشخاص رشيد و بالغ.

برترين اعمال در شب قدر

از شيخ صدوق نقل شده است كه فرمود:

(و من احيى، هاتين الليلتين، بمذاكرة العلم فهو افضل؛ (101))

افضل اعمال در احياى اين دو شب (بيست و يكم و بيست و سوم ماه رمضان) مذاكره علم است.

زيرا در سايه علم و معرفت و آگاهى است كه ما به عظمت اين شب و آينده اى درخشان و بهره ورى از قرآن و مكتب انبيا و اوصيا رهنمون مى شويم و بى جهت نيست كه امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد:

دانشمندى كه مردم از دانش او بهره مند گردند، بر هفتاد هزار عابد فضيلت دارد.

استاد حسن زاده آملى مى نويسد:

سند اين حكم محكم خود را صدوق از حضرت رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در من لا يحضره الفقيه روايت كرده است:

(قال النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: بادروا الى رياض الجنة. قالوا يا رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: و ما رياض الجنة؟ قال: حلق الذكر. (102))

فيض كاشانى (قدس سره) در كتاب خود، پس از نقل حديث در بيان آن گفته است:

منظور از حلقه ذكر، همنشينى با علماست، هم چنان كه از حديث اول اين باب استفاده مى شود. (103)

نويسنده شهير شيعه، مرحوم محمد جواد مغنيه در كتاب مع علماء النجف نقل مى كند:

طلبه اى مبتدى، شيخ اعظم انصارى (رحمه الله عليه) را در حرم مطهر حضرت اميرالمؤ منين در شب قدر مى بيند، از ايشان مى پرسد: در اين شب خجسته، انجام دادن چه عبادتى افضل است؟

شيخ در جواب از او مى پرسد؟ چه درسى مى خوانى؟

طلبه جواب مى دهد: «الفيه ابن مالك. »

شيخ مى فرمايد: افضل اعمال آن است كه به حجره اى بروى و الفيه را مطالعه كنى. (104)

مرحوم شيخ ذبيح الله محلاتى مى نويسد:

از مرحوم سيد جواد حسينى عاملى، صاحب مفتاح الكرامه پرسيدند: در شب قدر، افضل و بهترين اعمال چيست؟ فرمود: تحصيل علوم مذهبى.

درباره اين بزرگوار نوشته اند، به قدرى در تحصيل، جدى بود كه در «شب قدر و روزهاى عيد» از تحصيل خوددارى نمى كرد، حتى در حال مريضى و ناتوانى و پيرى هم به تحصيل اشتغال داشت؛ گفتنى است كه در آن موقعى كه وى كتاب مفتاح الكرامه را مى نوشت، وهابيان به نجف اشرف حمله كردند و در تمام مدت، اين بزرگوار از نوشتن كتاب، دست برنداشت. (105)

مرحوم صاحب جواهر در آخر كتاب «ديات» مى نويسد:

(تمّ كتاب جواهر الكلام، فى شرح شرائع الاسلام، فى مسائل الحلال و الحرام فى ليلة الثلاثاء، ثلاثة و عشرين من شهر رمضان المبارك، ليلة القدر التى كان من تقدير الله تعالى فيها، اءن يتفضل علينا باتمام الكتاب المزبور.)

و نيز حكيم سبزوارى در آخر شرح منظومه در حكمت چنين گويد:

(و قد فرغ المؤ لف الفقير، عن تسويد هذا الشرح فى يوم الجمعه الثالث و العشرين من شهر رمضان المبارك من سنة واحد و ستين و ماءتين بعد الالف؛)

متن اين شرح را در روز جمعه 23 ماه مبارك 1261 به پايان بردم.

مفسر بزرگ قرآن، علامه سيد محمد حسين طباطبايى - حشره الله مع نبيه و اوصيائه الطاهرين - در آخر تفسير كم نظير الميزان، تاريخ فراغ از تاليف اين اثر ارزشمند را شب 23 رمضان ذكر فرموده است.

از علامه مجلسى نقل شده است كه فرمودند:

بهترين اعمال در اين شبها طلب آمرزش و دعا براى مقاصد دنيا و آخرت خود و پدر و مادر، خويشان و برادران ايمانى، اعم از زندگان و مردگان و اذكار و صلوات بر محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و اهل بيت اوست.

سيد ابن طاووس نيز مى فرمايد:

نبايد از دعا درباره اهل حق و برادران مسلمان در اين شب امتناع كرد.

و در روايتى وارد شده است كه از رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم سوال شد:

در شب قدر چه از خدا بخواهيم؟ فرمودند: عافيت و سلامتى.

آية الله شيخ جعفر شوشترى (رحمه الله عليه) مى فرمايد:

بهترين عبادت ها يقين پيدا كردن به خداوند و زدودن پليدى و آلودگى شك و ترديدها از دل ها و دور كردن كافر ماجرايى از خويشتن است. (106)

پاداش اعمال شب قدر

## ثواب خواندن سوره قدر

از امام صادق عليه‌السلام روايت شده است كه اگر كسى در شب بيست و سوم ماه رمضان، هزار مرتبه سوره قدر را بخواند، چون صبح كند، يقين او شديد و محكم شده باشد. (107)

## ثواب احياى ليله القدر

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند:

(من قام ليلة القدر، ايمانا و احتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه. (108)) كسى كه شب قدر را به عبادت احيا بدارد و باايمان و صابر باشد، خداوند، گناهان گذشته اش را بيامرزد.

## ثواب اعمال نيك ديگر

حضرت نبى اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند:

(قال موسى: الهى اريد قربك، قال: قربى لمن استيقظ ليله القدر. قال: الهى اريد رحمتك. قال: رحمتى لمن رحم المساكين ليله القدر. قال: الهى اريد الجواز على الصراط. قال: ذلك لمن تصدق بصدقه فى ليله القدر. قال: الهى اريد من اشجار الجنه و ثمارها. قال: ذلك لمن سبّح تسبيحة فى ليلة القدر. قال: الهى اريد النجاة من النار. قال: ذلك لمن استغفر فى ليله القدر. قال: الهى اريد رضاك. قال: رضاى لمن صلّى ركعتين فى ليلة القدر. (109))

حضرت موسى عليه‌السلام در مناجات خود با خدا عرض كرد: خدايا، من خواهان قرب تو هستم. خداوند فرمود: قرب من از آن كسانى است كه ليله القدر را بيدار باشند. عرض كرد: خدايا، رحمتت را خواهانم. خداوند فرمود: رحمت شامل حال كسانى است كه در شب قدر به مساكين رحم مى كنند.

عرض كرد: خدايا، من جواز عبور از صراط را خواهانم.

خداوند فرمود: اين جواز براى كسانى صادر مى شود كه در ليله القدر صدقه بدهند.

عرض كرد: خدايا، من خواهان درختان و ميوه هاى بهشت هستم. خداوند سبحان فرمود: اين نعمت براى كسانى است كه در ليله القدر به تسبيح مشغولند.

عرض كرد: خدايا، من نجات از آتش را مى طلبم. فرمود: نجات براى كسانى است كه در ليلة القدر به استغفار مشغولند.

عرض كرد: خدايا، من رضاى تو را مى طلبم. فرمود: رضاى من را كسى جلب كرد كه در ليلة القدر دو ركعت نماز خواند.

## ثواب نماز

پيامبر اعظم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند:

(من صلّى ركعتين فى ليلة القدر، فقراء فى كل ركعة، فاتحه الكتاب مرة و قل هو الله احد سبع مرات، فاذا فرغ يستغفر سبعين مره، فمادام لا يقوم من مقامه، حتى يغفر الله له و لاءبويه. و بعث الله ملائكه يكتبون له الحسنات الى سنة اخرى و بعث الله ملكا الى الجنان يغرسون له الاشجار و يبنون له القصور، و يجرون له الانهار و لا يخرج من الدنيا حتى يرى ذلك كله؛ (110))

كسى كه در شب قدر، دو ركعت نماز بخواند و در هر ركعت، بعد از حمد، هفت مرتبه «سوره توحيد» را بخواند و پس از اتمام نماز، هفتاد مرتبه «استغفر الله و اءتوب اليه» بگويد، از جاى خويش برنخيزد تا خداوند او و پدر و مادرش را بيامرزد و ملائكه اى بفرستد تا حسنات او را تا سال ديگر يادداشت كنند و ملك ديگرى را مامور سازد تا در بهشت براى او درختانى غرس كند و قصرهايى بنا سازد كه نهرهايى در آن جارى باشد و از دنيا نرود تا اين كه اين الطاف خدا را در حق خود مشاهده نمايد.

امام باقر عليه‌السلام فرمودند:

(من احيى ليلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان، و صلى فيها ماءة ركعة، وسّع الله عليه معيشته و كفاه امر من يعاديه، و اعاذه من الغرق و الهدم و السرق من شر الدنيا و دفع عنه هول منكر و نكير، و خرج من قبره و نوره يتلاءلاء لاهل الجمع و يعطى كتابه بيمينه و يكتب له براءة من النار و جواز على الصراط و امان من العذاب و يدخل الجنة بغير حساب و يجعل فيها رفقاء النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا. (111))

خدا رزق و روزى كسى كه شب بيست و سوم ماه رمضان را احيا بدارد و در آن شب، صد ركعت نماز بخواند وسيع گرداند و در مقابل دشمن، او را كفايت كند و از غرق شدن و ويرانى و سرقت، او را پناه دهد و ترس منكر و نكير را از او مرتفع سازد و از قبرش خارج مى شود، در حالى كه نور او براى اهل محشر تلاءلؤ دارد و نامه عملش را به دست راستش مى دهند و برات آزادى از آتش و از صراط و امان نامه از عذاب به او داده مى شود و بدون حساب و كتاب داخل بهشت مى گردد و در بهشت، رفيق پيامبران و صديقين و شهدا و صالحين خواهد شد و اينان خوب رفيقانى هستند.

## ثواب صدقه

از امام على بن موسى الرضا عليه‌السلام روايت شده است كه فرمودند:

(من تصدق وقت افطاره على مسكين برغيف، غفر الله ذنبه. (112))

كسى كه به وقت افطار، قرص نانى را به فقيرى صدقه دهد، خداوند گناهانش را بيامرزد.

امام صادق عليه‌السلام نيز فرمودند:

(من تصدق فى شهر رمضان بصدقه، صرف الله عنه سبعين نوعا من البلاء.)

كسى كه در ماه رمضان صدقه اى بدهد، خداوند سبحان، هفتاد نوع بلا و گرفتارى را از او در خواهد كرد.

## ثواب غسل شب قدر

قال موسى بن جعفر عليه‌السلام:

(من اغتسل ليلة القدر و احياها الى طلوع الفجر، خرج من ذنوبه. (113))

«كسى كه شب قدر غسل كند و تا طلوع فجر، احيا نگه دارد گناهانش ‍ بخشوده خواهد شد. »

## ثواب قرائت سوره روم و عنكبوت

امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

(من قراء سورتى العنكبوت و الروم فى شهر رمضان، ليلة ثلاث و عشرين، فهو والله يا ابا محمد، من اهل الجنة لا استثنى فيه ابدا.)

كسى كه در شب قدر (شب بيست و سوم ماه رمضان) دو سوره عنكبوت و روم را بخواند، به خدا - اى ابو محمد - او بدون استثنا اهل بهشت است.

## ثواب دو ركعت نماز در كنار قبر ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام فرمودند:

(فمن شهدها - ليله ثلاث و عشرين من شهر رمضان - عند قبر الحسين عليه‌السلام يصلى عنده ركعتين اءو ما تيسر له و ساءل الله الجنه و استعاذ به من النار آتاه الله ما ساءل و اءعاذه ما استعاذ؛ (114))

«كسى كه كنار قبر امام حسين عليه‌السلام شب بيست و سوم ماه رمضان را درك كند و در كنار قبر مطهر، دو ركعت يا آن مقدارى كه برايش ‍ مقدور باشد، نماز بگزارد و از خدا درخواست بهشت كند و از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد، خداوند خواسته او را اجابت خواهد كرد. »

## ثواب زيارت سيد الشهداء عليه‌السلام در شب قدر

امام صادق عليه‌السلام فرمود:

(اذا كان ليله القدر، فيها يفرق كل امر حكيم، نادى مناد تلك الليله من بطنان العرش: ان الله قد غفر لمن زار قبر الحسين عليه‌السلام فى هذه الليلة؛ (115))

«هنگامى كه شب قدر فرا رسد، در آن (شب) هر (گونه) كارى (به نحوى) استوار فيصله مى يابد؛ در آن شب از درون عرش، منادى ندا در خواهد داد كه: خداوند، كسى را كه در اين شب، قبر حسين عليه‌السلام را زيارت كند، خواهد بخشيد.»

## اثر راز و نياز با خدا در دل شب

شيخ صدوق (رحمه الله عليه) در كتاب مجالس خود از ابن عباس نقل كرده است كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«هرگاه بنده نيايشگرى با خداى خود در دل شب، خلوت كند و با او به مناجات و نيايش بپردازد، خداوند، نور ايمان را در دل وى ثابت گرداند، آن گاه كه خطاب به پروردگار جهانيان كرده و گويد:

يا رب! يا رب! يا رب! خداوند جليل ندا در دهد كه: لبيك عبدى! از من بخواه تا عطايت كنم و بر من توكل كن تا كفايتت نمايم. »

همسانى پاره اى از اعمال با ليله القدر

فرهنگ غنى اسلام براى نشان دادن اهميت فوق العاده و بيان عظمت پاره اى امور و سوق دادن مردم به آن سو، اجر آن اعمال را همسان با اجر عظيم ليله القدر معرفى كرده است.

از جمله اين موارد، سه حديث شريف زير است:

پيامبر اكرم اسلام فرمودند:

(من مشى فى صلح بين اثنين، صلى عليه ملائكه الله حتى يرجع و اعطى اجر ليلة القدر؛ (116))

«كسى كه در راه برقرارى صلح بين دو نفر گام بردارد، فرشتگان خدا بر او درود مى فرستند تا به منزل باز گردد و در نامه عملش اجر شب قدر نوشته خواهد شد. »

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

(ليلة من امام عادل، خير من الف شهر ملك بنى اميه؛ (117))

«يك شب از ايام حكمرانى زمامدار عدالت پيشه، بهتر از هزار ماه حكومت بنى اميه است. »

ابى بن كعب از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روايت كرده كه حضرت فرمود:

(من قراء «انا اءنزلناه» اءعطى من الاءجر، كمن صام رمضان و اءحيى ليلة القدر؛ (118))

«كسى كه به قرائت «انا انزلناه» بپردازد، اجرش اجر كسى است كه ماه رمضان روزه داشته و شب قدر احيا بدارد. »

دست ها را به دعا برداريم

چون رمضان، ماه نيايش و دعاست و على عليه‌السلام فرموده است:

(عليكم فى شهر رمضان، بكثرة الاستغفار و الدعاء؛)

بر شما باد در ماه رمضان به دعا و استغفار بسيار.

بى مناسبت نيست كه دست به دعا برداشته و بگوييم:

خداوندا!

از تو مى خواهيم كه بر محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و آل او درود فرستى و همچنين بر امام زمان (عج) ما، حجت حق، منجى عالم بشريت نيز صلوات و سلامت را نثار كرده و فرجش را نزديك فرمايى!

خداوندا!

لذت مناجات را در تمام عمر، به خصوص در شب هاى قدر به ما بچشان.

بارالها!

حلاوت تلاوت قرآن را هميشه خصوصا در شب هاى قدر به ما بچشان!

ايزدا!

در شب قدر براى ما آن مقدر فرما كه براى علما، صلحا و اتقيا، مقدر فرمايى.

خدايا! ما را از تمام خيرات نازل شده در ماه رمضان و شب قدر كامياب گردان!

بار پروردگارا! دست هاى نيازمند ما را كه امشب به درگاه بى نيازت بلند شده، نااميد برمگردان!

خدايا! شر توطئه گران و ابرقدرت ها و طاغوت هاى ستمگر كه قرن هاست مستضعفان را زير پاى خود له مى كنند، خنثى كن!

خداوندا!

عزت از دست رفته كشورهاى اسلامى را به آنان باز گردان!

معبودا!

به وعده اى كه در قرآنت داده اى كه روزى مستضعفان زمين را به قدرت كامل برسانى و حكومت عدل را در جهان بگسترانى، تحقق ببخش!

خدايا!

آنان كه بر ضد اسلام و مسلمانان نقشه هاى خائنانه مى كشند (خصوصا اسرائيل غاصب و آمريكاى جنايتكار) در دنيا رسوا و نقشه هايشان را نقش ‍ بر آب بفرما!

رحيما!

امشب وسيله هدايت گناهكاران، گمراهان، ره گم كردگان را فراهم و در سراسر اين ماه (رمضان) نشاط عبادت و انس با خودت را به ما عنايت بفرما!

اى محبوب دلها!

دعاهاى ما را در حق ديگران اجابت فرما و مرگ ما را شهادت در راه خود و زير پرچم پيامبر عظيم الشأن و تحت سايه ولايت اوليايت، قرار بده!

## پی نوشت ها :

1- روح، حقيقتى مافوق ملائكه است، به دليل در مقابل هم قرار گرفتن آن دو در سوره قدر: (تنزل الملائكه و الروح). (قال ابوبصير: قلت للامام جعفر الصادق عليه‌السلام: جعلت فداك، الروح ليس هو جبرائيل؟ قال عليه‌السلام: الروح اءعظم من جبرائيل، ان جبرائيل من الملائكه و ان الروح هو خلق اءعظم من الملائكه، اءليس يقول الله تبارك و تعالى: (تنزل الملائكه و الروح)؟) (تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 638 و تفسير برهان، ج 4، ص 481). بعضى گفته اند: صنفى از ملائكه را روح گويند، كه آنها را ديگر ملائكه نبينند، مرگ در شب قدر، برخى هم آن را به معناى رحمت گرفته اند؛ بعضى ديگر نيز آن را به وحى تفسير كرده اند. «براى اطلاع بيشتر رك: تفسير محمد مومن مشهدى بر جزء سى ام؛ حسين بن احمد حسينى شاه عبدالعظيمى، تفسير اثنى عشرى، ج 14، ص 201؛ سيد عبدالحسين طيب، اطيب البيان، ج 14، ص 180؛ تفسير نمونه، ج 27، ص ‍ 177؛ محمد صادقى، الفرقان، ج 3، ص 382».

2- در پاره اى از نسخه ها: «شب قدر است و طى شد نامه هجر» است.

3- ديوان حافظ، به تصحيح محمد قزوينى، غزل 251، ص 170.

4- محمد رضا حكيمى، خورشيد مغرب، ص 127 و 128، با كمى تغيير.

5- در اين كه عدد هزار براى تعداد است يا تكثير، بين مفسران، اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضى همانند عدد هفت و هفتاد كه در قرآن براى كثرت استعمال شده است براى تكثير مى دانند و برخى آن را براى تعداد دانسته و مى گويند: اصولا عدد هميشه براى تعداد است، مگر اين كه قرينه روشنى بر تكثير باشد.

6- ملا محسن فيض كاشانى، تفسير صافى، ج 5، ص 352 و بحار الانوار، ج 95، ص 49.

7- ابوالفضل رشيد الدين ميبدى، كشف الاسرار و عدة الابرار، ج 10، ص 64.

8- امام خمينى، پرواز در ملكوت، ص 226.

9- حسن بصيرى، ارمغان مور، ص 25.

10- برگرفته از خطبه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در روز جمعه آخر ماه شعبان.

11- ديوان ابن السيف، ج 5، ص 31.

12- جواد محدثى، سيناى نياز، ص 147، با كمى تصرف.

13- ر. ك: دعاى روز 27 رمضان.

14- سيد محمد حسين طباطبايى، سنن النبى، ص 296.

15- بحار الانوار، ج 94، ص 10.

16- العروسى الحويزى، تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 615.

17- ديوان حافظ، به اهتمام محمد قزوينى و دكتر قاسم غنى، ص ‍ 124.

18- رك: محدث قمى، فوائد الرضويه، ص 10؛ محمد تنكابنى، قصص ‍ العلماء، ص 118؛ رضا مختارى، سيماى فرزانگان، ج 3، ص 167.

19- (قال ابوعبدالله عليه‌السلام: قال رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: ان الله عزوجل اختار من الايام، الجمعه و من الشهور، شهر رمضان و من الليالى، ليله القدر و اختارنى على جميع الانبياء و اختار منى عليا و فضله عليا و فضله على جميع الاوصياء.) «ر. ك: وسائل الشيعه، ج 5، ص 67؛ بحار الانوار، ج 9، ص 160؛ ينابيع الموده، ص ‍ 486. »

20- (قال السائل: يابن رسول الله، كيف اعرف و ان ليله القدر تكون فى كل سنة؟)

21- مجموعه رسائل و مقالات فلسفى، به تصحيح غلامحسين رضانژاد (مقاله شب قدر.)

22- ادبيات فارسى، بر مبناى تاءليف استورى، ترجمه برگل، ج 1، ص ‍ 173.

23- معجم مولفى الشيعه، ص 321.

24- علامه شيخ محمد شلتوت مى نويسد:

«در سال هاى اخير، عادتى ميان مسلمانان پيدا شده، آن اين است كه يكى از شب هاى ماه رمضان را به عنوان «شب قدر» احيا مى دارند و مى پندارند كه اين معناى همان شب زنده دارى است كه پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم درباره اش چنين فرمود: كسى كه شب قدر را از روى ايمان و اخلاص احيا بدارد، خداوند تمام گناهان او را مى آمرزد. »

25- حج (22)، آيه 74.

26- شيخ طوسى، التبيان، ج 10، ص 385؛ فتح القدير، ج 5، ص 472 و مجمع البحرين، ماده قدر.

27- طلاق (65) آيه 7.

28- در اين خصوص آيه الله شيخ جعفر شوشترى در فوائد المشاهد گويد: «بعضى اشكال كرده اند كه ملائكه زياده از حد است و محال است كه زمين گنجايش آنها را داشته باشد و جواب داشته شده كه قبيل، قبيل نازل مى شوند؛ يعنى يك طايفه مى آيند و عروج مى كنند و بعد از آن، طايفه ديگرى مى آيند.»

و افزوده است، براى نازل شدن ملائكه و روح در شب قدر، چند وجه وجود دارد: اول آن كه: اين نازل شدن براى خصوصيتى است كه خداوند عالم براى زمين قرار داده است، در خصوص اين شب قدر.

دوم آن كه: نازل مى شوند براى ملاحظه كردن پاره اى از عبادات كه در زمين است و در آسمان نيست، مثل: «اطعام فقرا و مساكين» زيرا كه اين عبادت بزرگ در آسمان ها نيست، لذا براى بزرگى شأن اين عبادت به زمين نازل مى شوند تا اطعام بر فقرا و مساكين را ببينند...

سوم آن كه: نزول ملائكه در شب قدر براى شنيدن گريه و ناله هاى گناهكاران است، زيرا آنها از فرمايش خداوند تعالى (انين المذنبيين احب الى من تسبيح المسبحين.) دانسته اند كه ناله گناهكاران افضل از تسبيح تسبيح كنندگان است و چون در آسمان ها اهل معصيت نيست كه ناله او را در مقام توبه بشنوند، لذا به زمين مى آيند تا اين عبادت را ببينند و در حديث است كه حضرت جبرئيل عليه‌السلام با ناله كنندگان مصافحه مى كند و ملائكه بر او سلام مى كنند و علامت مصافحه سيد ملائكه (حضرت جبرئيل) آن است كه در شخص رقتى حاصل مى شود و نورانيتى پيدا مى گردد.

29- نگارنده، اين چند سطر را مديون تذكر دانشمند محترم، حجه الاسلام محمد على سرافراز است.

30- روضه كافى، ص 118.

31- تفسير منهج الصادقين، ذيل تفسير سوره قدر.

32- طبرسى، مجمع البيان، ج 10، ص 518.

33- محمد جمال الدين القاسمى، تفسير القاسمى، ج 17، ص 218.

34- تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 620؛ البرهان فى تفسير القرآن، ج 4، ص 488 و مجمع البيان، ج 10، ص 518.

35- سيوطى، الدر المنثور، ج 6، ص 371.

36- اصول كافى.

37- قدر (97)، آيه 4.

38- دخان (44)، آيه 4.

39- قدر (97)، آيه 5.

40- ابوالفضل ميبدى، كشف الاسرار، ج 10، ص 559.

41- فيض القدير، ج 2، ص 158 و كتاب التاج، ج 2، ص 79.

42- صحيح بخارى، ج 3، ص 61، كتاب الصوم، باب معرفه ليله القدر.

43- فتح البارى، ج 4، ص 233 و كافى، ج 6، ص 7.

44- الدر المنثور، ج 6، ص 371؛ التاج، ج 2، ص 79 و فيض القدير، ج 2، ص 158.

45- اصول كافى، ج 1، ص 258.

46- تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 918؛ و نيز رك: مجمع البيان.

47- بحار الانوار، ج 40، ص 54.

48- الصحيفه السجاديه، ص 66 و مصباح المتهجد، ص 607.

49- خداوند يكى از شب هاى ماه رمضان را بر شب هاى هزار ماه برترى داد و آن شب با فضيلت را شب قدر ناميد.

50- نور الثقلين، ج 5، ص 618.

51- مثلا زمخشرى در كشاف مى گويد: ارتقاى فضيلت شب قدر تا اين حد، علتش وجود مصالح دينى است، از قبيل نزول ملائكه و روح و تفضيل هر امرى از روى حكمت.

52- يعنى عمل در شب قدر بهتر از عمل در هزار ماهى است كه شب قدر در آن نباشد.

53- الكافى، ج 1، ص 248 و بحار الانوار، ج 25، ص 80.

54- رك: محمد ثقفى تهرانى، تفسير روان جاويد و على بن ابراهيم قمى، تفسير قمى.

55- ملا محسن فيض كاشانى، تفسير صافى، ج 5.

56- (قال محمد بن على الباقر لابنه جعفر عليهما السلام: ان الله حبا ثلاثه اشياء فى ثلاثه اشياء، خباء رضاه فى طاعته، فلا تحقرن من الطاعه شيئا فلعل رضاه فيه، و خباء سخطه فى معصيته، فلا تحقرن من المعصيه شيئا فلعل سخطه فيه. و خباء اولياءه فى خلقه، فلا تحقرن احدا فلعله ذلك الولى.) «سيد محسن امين، اعيان الشيعه، ج 1، ص 658، به نقل از نثر الدرر. »

57- شيخ عباس قمى، سفينه البحار، ج 2، ص 411 و بحار الانوار، ج 94، ص 5. شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 154.

58- خطيب شربينى، تفسير السراج المنير، ج 4، ص 567.

59- شيخ طوسى، التبيان، ج 1، ص 385؛ التاج، ج 2، ص 3 و فتح البارى، ج 4، ص 232.

60- رك: طبرسى، مجمع البيان، ج 10، ص 520 و كاشانى، منهج الصادقين، ج 10، ص 308.

61- گفتنى است كه پيامبر و ائمه طاهرين مسلما زمان شب قدر را مى دانسته اند؛ لذا هنگامى كه از امام عليه‌السلام سوال مى شود كه آيا شما مى دانيد چه شبى، شب قدر است؟ مى فرمايند: چگونه نمى دانيم، در حالى كه ملائكه در آن شب ما را طواف مى كنند! «رك: تفسير برهان، ج 4، ص 488؛ نور الثقلين، ج 5، ص 639 و بصائر الدرجات، ص ‍ 221. »

62- سيد محمد باقر حجتى، پژوهشى در تاريخ قرآن، ص 39.

63- احكام القرآن، ج 2، ص 239، به نقل مرحوم مغنيه در التفسير الكاشف، ج 7، ص 591.

64- اين قول در بين برادران عامه مشهور است. رك: التاج، ج 2، ص 8؛ محمد حسين طباطبايى، الميزان، ج 20، ص 474 و طبسى، زاد المعاد، ص 180.

65- دخان (44)، آيه 3.

66- تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 621، به نقل از كافى، ص 157.

67- تفسير السراج المنير، ج 4، ص 566 و بحارالانوار، ج 94، ص ‍ 10.

68- وسائل الشيعه، ج 7، ص 262؛ بحارالانوار، ج 94، ص 9 و دعائم الاسلام، ج 1، ص 282؛ تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 626.

69- خصال، ج 2، ص 102 و بحارالانوار، ج 94، ص 16.

70- روضة الواعظين، ص 348.

71- بحارالانوار، ج 94، ص 4 و مستدرك الوسائل، ج 7، ص 474.

72- الكافى، ج 2، ص 628.

73- اقبال الاعمال، ص 206.

74- (... و لا يدع مومنا و لا مومنه الا سلم عليه، الا مدمن الخمر و آكل لحم الخنزير و المضمخ (بوى خوش بر خويشتن آلودن) بالزعفران.) (تاءويل الآيات الباهره، ج 2، ص 816).

75- تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 615، به نقل از مجمع البيان، و من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 159.

76- كشف الاسرار، ج 10، ص 656.

77- حافظ.

78- يحيى بن سعيد در نزهه الناظر، ص 14. غسل هاى مستحبى را 45 غسل مى داند.

79- وسائل الشيعه، ج 2، ص 936.

80- سيد محسن امين، مفتاح الجنات، ج 3، ص 283.

81- دعائم الاسلام، ج 1، ص 281 و بحارالانوار، ج 97، ص 4.

82- امالى طوسى، ص 676 و بحارالانوار، ج 97، ص 4.

83- بقره (2) آيه 222.

84- الطريق الى الله، ص 172 و 173.

85- نهج البلاغه (فيض الاسلام)، ح 409؛ وسائل، ج 6، ص 77 و المحجة البيضاء، ج 7، ص 63.

86- كفعمى، المصباح، ص 585 و بحارالانوار، ج 95، ص 148.

87- مائده (5)، آيه 35.

88- سيد ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ص 186.

89- حسين نورى، نجم الثاقب، ص 510.

90- وسائل الشيعه، ج 18، ص 474.

91- وسائل الشيعه، ج 4، ابواب الدعاء، باب 31، حديث 1.

92- وسائل الشيعه، ج 4، ابواب الدعاء، باب 31، حديث 3.

93- شيخ طوسى، الامالى، ج 1، ص 157.

94- شيخ طوسى، الامالى، باب 5، ح 4.

95- اعراف (7)، آيه 55.

96- محمد رضا حكيمى و ديگران؛ الحياة، ج 1، ص 238.

97- شرايط ديگرى نيز در كتب مربوطه، از قبيل عدة الداعى و وسائل الشيعه آمده است كه علاقه مندان به آنها رجوع فرمايند.

98- نمل (27)، آيه 62.

99- وسائل الشيعه، ج 1، باب 96، جهاد النفس، روايت 2.

100- سيد محمد حسين طباطبايى، سنن النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌، ص 299 و وسائل الشيعه، ج 7، ص 397.

101- صدوق، الامالى، ص 747، مفاتيح الجنان، 222.

102- حسن حسن زاده آملى، هزار و يك كلمه، ص 673.

103- الوافى، ج 1، باب مجالسة العلماء و صحبتهم، ص 46.

104- فرازهايى از زندگانى خاتم المجتهدين شيخ انصارى (رحمه الله عليه)، ص 46.

105- سيد نعمت الله حسينى، مردان علم در ميدان عمل، ص 60 و ذبيح الله محلاتى، اختران تابناك، ج 1، ص 134.

106- رك: شيخ جعفر شوشترى، فوائد المشاهد.

107- (عن ابى عبدالله انه قال: لو قراء رجل ليله ثلاث و عشرين من شهر رمضان (انا انزلناه فى ليلة القدر) الف مرة، لاصبح و هو شديد اليقين بالاعتراف بما يخص به فينا، و ما ذلك الا شى ء عاينه فى نومه.) «تحفة الزائر، ص 203 و مفتاح الجنات، ج 3، ص 278. »

108- سيد قطب، فى ظلال القرآن، ج 8، ص 628؛ ميرزا حسين نورى، مستدرك الوسائل، ج 7، ص 458 و روضه الواعظين، ص 349.

109- مستدرك الوسائل، ج 7، ص 456 و الاقبال بالاعمال الحسنه، ص ‍ 417.

110- مستدرك الوسائل، ج 7، ص 455.

111- فضائل الاءشهر الثلاثه، ص 138؛ روضه الواعظين، ج 5، ص 349 و بحارالانوار، ج 95، ص 168.

112- بحارالانوار، ج 96، ص 167.

113- صدوق، ثواب الاعمال، ص 171؛ بحارالانوار، ج 96، ص 319 و احمد بن محمد حلى، عدة الداعى، ص 92.

114- الاقبال بالاعمال الحسنه، ص 440 و بحارالانوار، ج 95، ص ‍ 66.

115- كامل الزيارات، ص 184 و بحارالانوار، ج 95، ص 166.

116- مجموعه الاخبار، ص 70، به نقل از لئالى.

117- محمد بن محمد رضا قمى مشهدى، تفسير كنز الدقائق، ج 14، ص ‍ 372 و تاءويل الآيات الباهرة، ج 2، ص 7 - 8.

118- مجمع البيان، ج 5، ص 516، طبق نقل تفسير كنز الدقائق، ج 14، ص 354.

فهرست مطالب

[سوره قدر 2](#_Toc423954373)

[سرآغاز 3](#_Toc423954374)

[قدر را قدر بدانيم 3](#_Toc423954375)

[پيشتازان اين ميدان 11](#_Toc423954376)

[در نام گذارى ليله القدر 13](#_Toc423954377)

[شب قدر مخصوص زمان پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نيست 16](#_Toc423954378)

[آيا شب قدر مخصوص به امت اسلامى است؟ 18](#_Toc423954379)

[فضايل شب قدر 19](#_Toc423954380)

[شب آمرزش گناهان است 19](#_Toc423954381)

[قلب ماه رمضان است 19](#_Toc423954382)

[سرور شب هاست 19](#_Toc423954383)

[از هزار ماه بهتر است 19](#_Toc423954384)

[به چه سبب شب قدر بهتر از هزار ماه است؟ 20](#_Toc423954385)

[نزول قرآن در اين شب 21](#_Toc423954386)

[سوره قدر 22](#_Toc423954387)

[شب مبارك 22](#_Toc423954388)

[تعيين شب قدر 23](#_Toc423954389)

[شب بيست و سوم 28](#_Toc423954390)

[شب قدر در مناطق مختلف 32](#_Toc423954391)

[محرومان از بركات ليله القدر 34](#_Toc423954392)

[اجمالى از وظايف ما در شب قدر 36](#_Toc423954393)

[1. غسل 36](#_Toc423954394)

[2. احيا و شب زنده دارى 36](#_Toc423954395)

[3. شناخت شأن قرآن 37](#_Toc423954396)

[4. تلاوت قرآن 37](#_Toc423954397)

[5. توبه و استغفار 38](#_Toc423954398)

[چرا بايد استغفار كرد؟ 40](#_Toc423954399)

[شرايط توبه و استغفار 40](#_Toc423954400)

[6. خواندن دعاى جوشن كبير و ديگر ادعيه ماءثوره 40](#_Toc423954401)

[فهرست برخى از شرح هاى ادعيه رمضان 41](#_Toc423954402)

[7. توسل به ولايت ائمه هدى 43](#_Toc423954403)

[8. نماز 44](#_Toc423954404)

[9. قرآن بر سر گرفتن 44](#_Toc423954405)

[10. تجديد عهد با امام زمان (عج) و خواندن دعاى فرج 45](#_Toc423954406)

[تذكرات لازم 45](#_Toc423954407)

[قطع اميد از ديگران 49](#_Toc423954408)

[11. اعتكاف 50](#_Toc423954409)

[برترين اعمال در شب قدر 53](#_Toc423954410)

[پاداش اعمال شب قدر 56](#_Toc423954411)

[ثواب خواندن سوره قدر 56](#_Toc423954412)

[ثواب احياى ليله القدر 56](#_Toc423954413)

[ثواب اعمال نيك ديگر 56](#_Toc423954414)

[ثواب نماز 57](#_Toc423954415)

[ثواب صدقه 58](#_Toc423954416)

[ثواب غسل شب قدر 59](#_Toc423954417)

[ثواب قرائت سوره روم و عنكبوت 59](#_Toc423954418)

[ثواب دو ركعت نماز در كنار قبر ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام 59](#_Toc423954419)

[ثواب زيارت سيد الشهداء عليه‌السلام در شب قدر 60](#_Toc423954420)

[اثر راز و نياز با خدا در دل شب 60](#_Toc423954421)

[همسانى پاره اى از اعمال با ليله القدر 61](#_Toc423954422)

[دست ها را به دعا برداريم 62](#_Toc423954423)

[پی نوشت ها : 64](#_Toc423954424)

[فهرست مطالب 71](#_Toc423954425)